

با مریم امیرجلالی، بازیگر تلویزیون در قاب خاطره

دستمزد واقعی ام را از مردم گرفته ام

صفحه ۶



تصفیه کننده هوا

کارشناسی و مشاوره (۱۰ خط) ۴۴۴۲۱۳۳۵

www.irandh.ir

شرح در صفحه ۵

دفتر پذیرش: ۰۲۱-۸۸۳۳۸۳۳۴-۳۷ - ۰۲۱-۲۲۳۳۷۶۳۰-۳۳ - دسترسی آسان ۱۸۸۳

سازمان آتش‌فا: ۰۲۱-۸۸۶۷۲۲۸۵-۹

جایزه

www.jamejamonline.ir

یکشنبه‌ها نوآوری‌های IT ایران و جهان



نقش موثر تلویزیون در انتقال گفتمان انقلاب

محمد تقی فهیم

کسی تردیدی در نقش پررنگ رسانه ملی برای زنده نگه داشتن، تبلیغ و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی ندارد. وقتی این رنگ جلای مضاعفی می‌یابد که به موازات تثبیت و تداوم انقلاب، انبوه رسانه‌های مخالف و معاند تلاش گسترده‌ای را به منظور دور کردن مردم از نظام و انقلاب در دستور کار خود دارند. تلویزیون در این میدان رقابتی بیش از پیش با افزایش کمی و کیفی مدیریت شده است. متأسفانه نمی‌توان منکر تاثیر فعالیت رسانه‌ای دشمنان انقلاب شد، واقعیتی که رسالت رسانه ملی را پررنگ‌تر می‌کند، در حالی که نهادها و دستگاه‌های تبلیغی دیگری وجود دارند که در غالب انجام وظیفه خود خیلی درست عمل نکرده‌اند. نمونه بارز آن سینمای کشور است، اهمیت رویکردهای نمایشی - بویژه فیلم - از چنان اهمیتی برخوردار است که هیچگاه نمی‌توان انتظارهای انقلابی برآورده نشده در عرصه سینما را فراموش کرد. انتظاری که تاکنون بحق از سوی صدا و سیما پاسخ داده شده است. اگرچه تا وضع مطلوب پیشتازی در هر زمینه به منظور مقابله با رسانه‌های بیگانه، تلاشی بیش از پیش می‌طلبید.

دهه فجر و ایام بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی همواره وظیفه رسانه ملی را دوچندان کرده است. الحق که این دستگاه در زمینه برنامه‌سازی و به آتن بردن قالب‌های متنوعی از مستند، ترکیبی، گفت‌وگو محور، جنگ‌های شاد و مسابقات و ... کوشش درخور توجهی برای نزدیک کردن نسل جدید جامعه با مبانی انقلاب به خرج داده است. رویکردی که باعث شده تا تاریخ مبارزات سیاسی، شهادت‌طلبی و جانبازی مردم مسلمان برای پیروزی انقلاب و برپایی نظام برآمده از آن نهادینه و گسترش یابد. دشوارترین نوع فعالیت در رسانه‌ها - خصوصا تصویری - شاید تلفیق کار اطلاع رسانی - دراماتیک باشد. مدیریت این گرایش در رسانه ملی همواره با توفیق‌هایی همراه بوده است گرچه در برخی سال‌ها به دلایل مختلفی - که شاکله آن را بوجه تشکیل می‌دهد - حجم آثار نمایشی کاهش یافته و این اتفاق محسوس بوده است. با این حال نمی‌توان نقش برجسته تولیدات دراماتیک را در بسط و توزیع گفتمان انقلاب دست کم گرفت.

به تعبیر یکی از متخصصان رسانه «گرفتن و نشان دادن پای جعبه جادویی» غالبا با نمونه کارهای تصویری رخ می‌دهد، فلذا حکم براین است که برای تبدیل گفتمان انقلاب اسلامی به محتوای تصویری، نه از پنج ماه قبل که در طول سال برنامه‌ریزی و تولید داشت. آنچه رسانه را عمیقا و مستمر ذی‌نقد می‌کند، روزآمدی آن در رویکرد دراماتیک است. سریال‌ها و مجموعه‌های مورد اتمام به جای خود، ولی ایجاد امکانات و فراهم کردن تجهیزات (بویژه ایجاد دکورها و شهرک‌هایی که بتوان فضای دوران انقلاب و قبل از آن را بازسازی کرد) شرایطی را فراهم می‌کند تا برنامه‌سازان در کوتاه‌ترین زمان بتوانند سریال‌ها و اپیزودهای نمایشی را با اطلاعات و محتوای به روز به آتن برسانند. در نمونه جهانی آن سریال «پارک جنوبی» است که در قالب انیمیشن به صورت هفتگی تولید و به پخش می‌رسید. حتی در مواردی مانند انتخاب اوباما قسمتی از این سریال با فاصله سه روز بعد از انتخاب رئیس‌جمهور، با جملاتی از سخنرانی او پخش شد.

همکاری جدی‌تر دولت در همیاری رسانه ملی، قدرت لازم را به این رسانه می‌بخشد تا در زمینه تبدیل گفتمان انقلاب اسلامی به تصویر، نه تنها در دهه فجر که در طول سال لشکر رسانه‌های معاند را مرعوب و به عقب نشینی تا تعطیلی بکشد.

داود رشیدی / الگوسازی رفتاری برای جوان‌ترها



اگر گروهی از جوانان عرصه سینما و تلویزیون چندان به وقار گفتاری و رفتاری خود توجه نمی‌کنند و بهانه به دست برخی غرض‌ورزان می‌دهند، هنرمندان قدیمی و شاخص رسانه ملی با گفتار و رفتار خود نشان می‌دهند که چگونه توانسته‌اند سال‌های سال نزد مردم محبوب بمانند.

داوود رشیدی بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیون در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود اظهار کرد: من در صداوسیما بزرگ شده‌ام. از هفده هجده سالگی کارمند رادیو و تلویزیون بوده‌ام و باز هم کارمندش هستم. این هنرمند پیشکسوت بعد از برپایی جشن بزرگ اهالی سیمای جشنواره جام‌جم ضمن تبریک به همه همکارانش و دست‌اندرکاران رسانه ملی گفته است: اصولا برگزاری هر جشنی در صدا و سیما خوب است و همین که هنرمندان بیایند و همدیگر را پس از سال‌ها ببینند، ارزش زیادی دارد. تا باشد، جشنواره باشد؛ چرا که در چنین جاهایی است که همه می‌خندند و همین که خنده هنرمندان را می‌بینیم، برایمان کافی است.

رشیدی که در سریال‌هایی چون هزار دستان، امام علی (ع)، تنهاترین سردار، و... ایفای نقش داشته همچنان سخت‌گیر است و دوست ندارد کیفیت کارهایش افت داشته باشد.

روناک یونسی / در جستجوی راهکار قانونی



برنامه تلویزیونی کافه سوال که به بررسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌پردازد، هفته گذشته میزبان روناک یونسی، بازیگر سینما و تلویزیون بود. بازیگر مجموعه‌های تلویزیونی رستگاران، گل‌های گرمسیری و تارهایی همچون دیگر بازیگرانی که در این برنامه حاضر شده بودند و درباره عضویت در شبکه‌های اجتماعی صحبت کرده بودند، استفاده از شبکه‌های اجتماعی را راه مناسبی برای ارتباط با مخاطبان دانست و گفت: الان دنیا، دنیای ارتباطات است و اگر اهلش هم نباشی مجبوری با دنیای ارتباطات و خصوصا اینترنت سر و کار داشته باشی. حالا داشتن آدرس ایمیل مثل داشتن شماره تلفن و یا کارت شناسایی واجب است. یونسی در این برنامه تلویزیونی به لزوم روزآمد شدن همه مردم از جمله اهالی تلویزیون در یک ساختار مطلوب و قانونی اشاره کرده و درباره عضویت در شبکه‌های اجتماعی داخلی گفته است: اطلاع زیادی از این شبکه‌ها ندارم اما فکر می‌کنم نیاز به معرفی و تبلیغات بیشتر است و در صورت شناخت آنها حتما طرفداران زیادی پیدا می‌کنند. در این شبکه‌ها متأسفانه صفحه‌های تقلبی به نام هنرمندان ساخته می‌شود که مشکلات زیادی همراه دارد و قابل پیگیری هم نیست اما احتمالا در شبکه‌های داخلی پیگیری و نظارت بیشتری وجود دارد.

مهران رنجبر / نقشی که به زندگی رسید



گاهی بازی کردن در یک فیلم، آنقدر برای مخاطبان جدی می‌شود که نمی‌توانند بازیگر آن فیلم یا سریال را خارج از نقش او تصور کنند، اتفاقی که مهران رنجبر، بازیگر نقش کیانوش در آوای باران با آن دست به گریبان است. مهران رنجبر - که به گفته خودش این روزها کمتر در خیابان تردد می‌کند - درباره بازتاب این نقش در میان مردم، گفته است: برخی از مخاطبان کار را آنقدر جدی دنبال می‌کنند که می‌گویند «باران» حق توست؛ به دلیل این که در این سال‌ها تو هوایش را داشتی! برخی هم می‌گویند بگذار «باران» را فرید خوشبخت کند او آدم حسابی است!

رنجبر که پیش از این در سریال‌های «نون و ریجون» و «پنج کیلومتر تا بهشت» بازی کرده، دیده شدن نقش کیانوش را مدیون قصه اجتماعی آن دانسته و گفته است: اکنون مردم یک جمله می‌گویند و آن این که این سریال واقعیت جامعه را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد هر چه مسائل و مشکلات اجتماعی را در قالب قصه و ملودرام اجتماعی بیان کنی، مخاطب بیشتر جذب می‌شود. گریم متفاوت رنجبر در سریال آوای باران یکی از نکاتی است که مورد توجه مخاطبان بسیار قرار گرفته اما به گفته خودش از کلاه گیس استفاده نکرده و گریمور، موهایش را فر شش ماهه کرده است.

داریوش ارجمند / دفاع سرسختانه از حشمت فردوس



داریوش ارجمند - که این روزها جزو بازیگران کم کار تلویزیون محسوب می‌شود - با بازی در نقش حشمت فردوس در مجموعه پربیننده ستایش دو به تلویزیون بازگشته است. ارجمند درباره نقش خود در ستایش دو گفته است: حشمت فردوس گرچه گاهی تاریک است اما به اندازه کافی دیگران را روشن می‌کند. من این کاراکتر را دوست دارم و همه جا از آن دفاع می‌کنم. به نظرم کسی می‌تواند بازیگر خوبی باشد که زیاد زندگی کرده باشد. من همیشه در کلاس‌هایم به شاگردان خود می‌گویم زودتر چهل‌ساله شوید. نه این که از نظر سنی به آن برسید، بلکه به لحاظ تجربه و دانش خود را ارتقا دهید. ارجمند درباره کاراکتر حشمت فردوس گفته است: حشمت فردوس شخصیتی است که در سری دوم سریال ستایش ۲۰ سال پیرتر شده است. این شخصیت از جمله افرادی است که با گذشت زمان اصولشان تغییر و از معیارهایشان عدول نمی‌کنند. حشمت فردوس فردی باهوش است و شیوه زندگی خود را تا حدی تغییر داده است. اگر در آن دوره به گونه‌ای خاص زندگی می‌کرد، حالا جور دیگری زندگی می‌کند. با پیشرفت‌های جامعه هماهنگی دارد اما طی زمان بر معیارهای اخلاقی‌اش پایبند بوده است. مجموعه‌های تلویزیونی به تیکه زمین و راز پنهان از آخرین کارهایی است که با بازی ارجمند روی آنتن تلویزیون رفته است.

الهام حمیدی / بازگشت با سرزمین کهن



الهام حمیدی پس از مدتی دوری از تلویزیون با سریال سرزمین کهن به کارگردانی کمال تبریزی به تلویزیون بازگشته است. سرزمین کهن به بررسی تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی در بستر زندگی یک پسر بچه - رهی - می‌پردازد و الهام حمیدی نقش مادرخوانده او را بازی می‌کند. حمیدی که آخرین بار با سریال شوق پرواز ساخته یدالله صمدی و راز پنهان ساخته فلورا سام در تلویزیون حضور داشت و سال قبل نیز فیلم گهواره‌ای برای مادر (پناه‌بخدا رضایی) با بازی او روی پرده سینماها رفت، دلیل کم‌کاری‌اش در سینما و تلویزیون را ضعف آثار تولیدی دانسته و گفته است: هر چه به دستم می‌رسد، فیلمنامه خوبی که مرا جذب کند، در میان آنها نمی‌یابم. این بازیگر با رد این شایعه که حجاب بازیگران سریال را دلیل به تأخیر افتادن زمان پخش آن اعلام کرده بودند، گفت: این کار به دوران بسیار قدیم بازمی‌گشت و برای باورپذیر شدن و طبیعی جلوه کردن آن نیاز بود در بعضی قسمت‌های آن از پوست‌پوش و موی مصنوعی استفاده شود که این هم با اجازه خود مسئولان بود و من فکر نمی‌کنم این دلیل تأخیر در پخش سریال باشد و تنها برخی مسائل فنی در این دیرکرد مطرح بوده است.

پوریا تابان / راه رفتن با کلاه نقابدار



پوریا تابان که اجرای بخش ورزشی سری جدید برنامه «روز از نو» را برعهده دارد و بعد از پنج ماه دوری از آنتن زنده شبکه دو به این شبکه بازگشته است، درباره اجرای دوباره برنامه زنده گفته است: حس خوبی دارم که یک بار دیگر جلوی دوربین آمدم. بعد از این که به مدت یک سال، شنبه شب‌ها دو ساعت برنامه زنده اجرا می‌کردم، حالا زمان ۲۰ دقیقه‌ای «روز از نو» زمانی کوتاه برای بیان مباحث ورزشی است اما این مدت کم هم فرصتی است.

تابان که اجرای برنامه ورزش از نگاه دو در سال‌های گذشته را برعهده داشت و کار او با استقبال مخاطبان برنامه‌های ورزشی روبه‌رو شد، نسبت به کنار رفتن از این برنامه قدیمی دلخوار است. او در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود، در این باره اظهار کرده است: متأسفانه جدایی از ورزش از نگاه دو، داغ بی‌حد و حصری روی دل من گذاشت که هرگز فراموش نخواهم کرد، بخصوص نوع جدایی و رویه‌ای که در پیش گرفته شد و باعث دلشکستگی من شد.

در طول این چند وقت برای فرار از سوالات مخاطبان بی‌شمار و مردمی که در کوچه و خیابان، دلیل جدایی‌ام را از ورزش از نگاه دو می‌پرسیدند، کلاه نقابداری بر سر داشتم تا شناخته نشوم و از سوالات دردآور و بی‌پایان آنها فرار کنم.

خلاقیت در خدمت خلاقیت

احمد رضا علیزاده

برنامه‌های کودک تلویزیون از مخاطبان بالقوه برخوردارند و سازندگانشان همواره می‌توانند فقط با اندکی هوشمندی، میزان موفقیت خود را در برنامه‌سازی تلویزیونی ارتقا بخشند. یکی از دلایل ایجاد این جذابیت استفاده از راهکارهای خلاقانه است که وقتی با خلاقیت بالقوه گروه سنی مخاطب تلفیق شود، نتیجه پرباری به همراه خواهد آورد.

برنامه «دست‌های من» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمد زارعان، با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با هنر و ایجاد خلاقیت کلید خورده است. این برنامه در بخش‌های ساخت و ساز، ناگهان رنگ و هیجان دست‌ها به خردسالان، کودکان و نوجوانان می‌آموزد با استفاده از انگشتان خود کارهای حجمی بسازند یا نقاشی بکشند.

سازندگان برنامه علاوه بر استفاده از ایده‌های جذاب، در ساخت اثر نیز روزآمدی را در نظر داشته‌اند. قالب برنامه رئال ویدئو گرافیک است، یعنی در آن از جلوه‌های گرافیکی بسیار استفاده می‌کنیم که به مجری کمک می‌کند مفاهیم آموزشی را به شکل جذاب به بچه‌ها منتقل کند.

یکی دیگر از مواردی که در ساخت برنامه وجود دارد، بحث انگیزشی آن است. سازندگان این برنامه، صرفاً آموزش را هدف خود قرار ندادند و با طراحی یک اثر انگیزشی در نظر دارند بچه‌ها را برای ورود به دنیای هنر ترغیب کنند.

در یک نگاه، تولید برنامه‌هایی که مخاطب خردسال و کودک را نشانه می‌گیرند، کار ساده‌ای به نظر می‌آید، اما این دست برنامه‌های تلویزیونی از پیچیده‌ترین و علمی‌ترین کارهای این رسانه به شمار می‌رود که در طراحی و اجرای آن، کوچک‌ترین اهمال می‌تواند تاثیر نامطلوبی بر نسل آینده داشته باشد. به همین دلیل، حضور افراد کاردار و متخصص و ایجاد میدانی باز برای ارائه خلاقیت، بهترین نتیجه را در تولید چنین آثاری به همراه دارد و البته هر چه تعداد نسخه‌های وطنی برنامه‌های آموزشی و انگیزشی افزایش یابد، تحقق هدف‌های ترسیم شده ساده‌تر خواهد بود، ضمن آن که قشر مخاطب این دست برنامه‌ها را باید با برنامه‌های سرگرم‌کننده‌ای همراه کرد که به طور غیرمستقیم با آنها ارتباط آموزشی و انگیزشی برقرار می‌کند.



مردم در قاب

روجا ساسان

چند سالی می‌شود، آقای نظامی تنها زندگی می‌کند؛ در خانه‌ای کوچک در خیابان شریعتی تهران نزدیکی‌های سینما ایران. آقای نظامی شصت‌وهفت ساله است و دو فرزند دختر و پسر دارد. البته او دو سال پیش، یکی از فرزندان را در حادثه رانندگی از دست داد. داریوش بیست‌وپنج ساله که از یک سفر تفریحی از بایلسر به سمت تهران برمی‌گشت، به دلیل سرعت زیاد در جاده تصادف کرد و جان خود را از دست داد. این حادثه باعث شد آقای نظامی بیش از پیش به انزوا روی بیاورد. البته چاره‌ای هم جز این برایش نمانده بود؛ چراکه دخترش ثمین ده سالی است برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی برق به کشور سوئد مهاجرت کرده و دارا پسرش با همسر و فرزند نوزده ساله‌اش مهدیه در شیراز زندگی می‌کند.

زندگی آقای نظامی ریتم مشخصی دارد و دچار روزمرگی است. او همانند نام خانوادگی خودش، فردی قانونمند و بازنشسته وزارت دارایی است. ساعت ذهنی آقای نظامی به وقت اذان کوک شده است. او صبح‌ها به رسم عادت هنگام اذان ناخودآگاه از خواب برمی‌خیزد و پس از خواندن نماز صبح، چرتی کوتاه می‌زند. بعد از بیدار شدن صبحانه می‌خورد و طبق معمول ورزش صبحگاهی و پیاده‌روی تا سه‌راه طالقانی و از آن به بعد، ایستادن کنار دکه روزنامه‌فروشی و نگاه انداختن به تیتراژ روزنامه‌ها و در نهایت، انتخاب بهترین آنها و خریدن روزنامه‌اش. او دیدگاه سیاسی خاصی هم ندارد و تمایل دارد برای آگاهی از آنچه در جامعه‌اش می‌گذرد، به منابع مختلف مراجعه کند، اما این منابع برای او صرفاً رسانه‌های مکتوب و شنیداری تعریف می‌شود.



سفر به ایران با راهنمای ایرانی

حسام آبنوس

تولید سفرنامه در شکل‌های مختلف و برنامه‌هایی که به راهنمای سفر و گردشگری موسوم هستند، یکی از راه‌های انتقال تجربیات سفر است که از دیرباز مرسوم بوده است. امروزه نسل جدید سفرنامه‌نویسان با استفاده از ابزارهای سینمایی و تلویزیونی به ثبت تجربیات سفرهای خود اقدام می‌کنند و با ظهور این نسل، سفرنامه‌های تصویری در ملل مختلف رواج یافته است.

یکی از موضوعاتی که به منظور معرفی ایران اسلامی در تمام زمینه‌ها در کانون توجه شبکه جهانی سحر قرار گرفته، پرداختن به جنبه‌های گردشگری این سرزمین کهن است، آثاری چون میراث ایران و ایران دیراری برای تمام فصول از مستندهای کاربردی در زمینه ایران‌شناسی است که در این شبکه برون مرزی تولید شده است. یکی از این کارها، مجموعه مستند راهنمای سفر در ایران، کاری از مرتضی حسینی (تهیه‌کننده) به کارگردانی علیرضا فرید است که به معرفی جاذبه‌های طبیعی و تاریخی ایران زمین می‌پردازد. مستند راهنمای سفر در ایران برخلاف دیگر مستندها، علاوه بر معرفی نقاط مختلف کشور به موضوعات دیگری از قبیل فرهنگ و طبیعت آن منطقه نیز می‌پردازد. این مستند که در بعضی قسمت‌ها به مستند جاده‌ای شباهت دارد، این حس را به مخاطب القا می‌کند که خود مشغول سفر به آن نقطه است.

راهنمای سفر در ایران با استفاده از یک راوی - که در بعضی صحنه‌ها حاضر می‌شود و به ارائه توضیحات می‌پردازد - اطلاعاتی را به بیننده منتقل می‌کند، اما نکته قابل تاملی که کارگردان در این مستند رعایت کرده، این است که با وجود آگاهی بیننده نسبت به حضور راوی، تصاویر مخاطب را به این واقعیت رهنمون می‌سازند که در مسافرت به ایران نیازی به راهنما نیست و اماکن و مناظر معرف خود هستند.

در هر قسمت از مجموعه، شاهد سه بخش هستیم. بخش اول به موضوعات مرتبط با طبیعت، ابنیه تاریخی و اماکن مذهبی اختصاص دارد و در بخش دوم مسائل مرتبط با فرهنگ عمومی و هنر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم نیز به پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک در کشور پرداخته می‌شود، ضمن این که دو بخش از سه بخش یاد شده در قالب کلیپ و فتوکلیپ به تصویر کشیده می‌شود و دستگاه‌های موسیقی ایرانی در قالب این دو آیتم معرفی می‌شوند. از موضوعاتی که سهم بسزایی در موفقیت فیلم‌های مستند دارند، می‌توان به استفاده از موسیقی متناسب با تصویر اشاره کرد. بهره بردن از موسیقی همراه با ضرباهنگ تصاویر بر جذابیت این مستند می‌افزاید و بیننده را از همراهی منصرف نمی‌کند.

در نگاه کلی می‌توان جوانب گوناگون این مستند را خوب ارزیابی کرد و آن را در معرفی ایران موفق نامید.

روایتی امروزی از یک داستان قرآنی

رها کیان

فیلم تلویزیونی «رنگ انتظار» به کارگردانی سیدمحسن میرحسینی و تهیه‌کنندگی سیدمحسن میرحسینی و فهیمه سلیمانی، کاری بود که جمعه گذشته از شبکه قرآن و معارف سیما پخش شد. این فیلم تلویزیونی داستان دو پسر بچه به نام مجید و علیرضا را روایت می‌کند که به خاطر خوشحالی بی‌بی، به دروغ می‌گویند پسرش رحمان - که دو سال از ناپدید شدن او می‌گذرد - پیدا شده و این دروغ، موجب به هم ریختگی روستا می‌شود. در این فیلم مینا جعفرزاده نقش بی‌بی، سولماز آقمانی نقش نامزد رحمان و خواهر علیرضا، اردلان شجاع کاوه نقش برادر علیرضا و رابعه اسکویی نقش همسر برادر او را ایفا می‌کنند و محمد فیلی یکی دیگر از نقش‌های این فیلم تلویزیونی را به عهده داشته است.

تم اصلی رنگ انتظار، حسادت است. اردلان شجاع کاوه که فرزند یکی از مقنن‌های صاحب‌نام روستاست، به دلیل ترس از ارتفاع نمی‌تواند جایگزین خوبی برای پدر باشد و به رحمان که در این کار بسیار خیره است، حسادت می‌ورزد تا جایی که پس از یک مجادله کلامی، او را که قرار است داماد خانواده شود، به درون یکی از قنات‌ها پرت می‌کند و از ترس مرگ او، چو می‌اندازد که رحمان به شهر رفته است.

با ناپدید شدن رحمان، نقشه‌قنات هم ناپدید می‌شود و کشاورزان و باغداران از فرط بی‌آبی، دست به آب زدنی می‌زنند و روستا در معرض خشکی و نابودی قرار می‌گیرد. قصه اصلی رنگ انتظار به بهانه دروغی مصلحتی آغاز می‌شود، اما کاملاً با قصه یوسف پیامبر منطبق است و می‌توان گفت یکی از بهترین و دقیق‌ترین برداشت‌های تلویزیونی - سینمایی از این ماجراست که هم کاملاً معاصر و هم منطبق با کهن الگوهای تاریخی برگرفته از این داستان قرآنی است. رنگ انتظار از شخصیت‌پردازی بسیار خوب و به تبع آن بازی‌های پخته و درستی برخوردار است که این موضوع اخلاقی را در قالب یک داستان گیرا نمایش می‌دهد.

یکی از خصوصیات مثال‌زدنی این فیلم تلویزیونی، پایان باز آن است که گرچه سرنوشت رحمان و انتظار بی‌بی در این پایان‌بندی مشخص نمی‌شود، اما تحول شخصیت برادر علیرضا را به دنبال دارد.



زندگی روی موج رادیو پیام

آقای نظامی به وسایل ارتباط جمعی نوین و فضای دوم این روزها یعنی اینترنت کاری ندارد و آن را یک رسانه نمی‌شمارد. او بشدت طرفدار برخورد چهره به چهره و دیدار دسته‌جمعی است. بنابراین عصرها به پارکی نزدیک منزلش می‌رود و با دوستان هم‌سن و سال خود دیداری تازه می‌کند و با آنها به گپ و گفت می‌نشیند.

رادیو هم یکی از دوستان صمیمی آقای نظامی است که موج آن، تنها بر یک شبکه تنظیم شده است. آن هم رادیو پیام است. آقای نظامی حتی در انتخاب شبکه‌های رسانه دلخواهش محتاطانه و بر اساس قواعد تعریف شده ذهنی‌اش



عمل می‌کند. او صرفاً رادیو پیام گوش می‌دهد و با صدای گویندگان و لحن آنها کاملاً آشناست.

این قرار گرفتن گزینش کارانه در برابر رسانه‌ها سبب شده تا آقای نظامی زندگی منظمی داشته باشد و رادیو مثل ساعتی شود برای روند یک زندگی بدون افت و خیز و یکنواخت. هرچند آقای نظامی این یکنواختی را امتیاز می‌داند و معتقد است او در دنیایی که عده‌ای به خاطر گرفتار شدن در زرق و برق و تجملات فرصت خودسازی و اندیشه را از خود گرفته‌اند، می‌تواند با سکوتی بی‌نظیر روح و تفکرش را در آرامش صیقل دهد.

صدا، دوربین؛ انقلاب

مروری بر معروف ترین مجموعه های تلویزیونی که درباره انقلاب اسلامی ساخته شده است



مجموعه های انقلاب



مجموعه های انقلاب



مجموعه های انقلاب



مجموعه های انقلاب

محمد جلیوند

دارد از دست او قرار کند.

طیل توخالی از دیگر مجموعه های پربیننده دهه فجر در دهه ۶۰ تلویزیون است که در پنج قسمت تولید و روانه آنتن شد و روایتی طنزآمیز از گروهی سلطنت طلب متوهم و جاه طلب است که همچنان دنبال بازگشت سلطنت به ایران هستند.

فضای کمیک این مجموعه با توجه به فضای جنگی ایران در ابتدای آن دهه نقش مهمی در پربیننده تر شدن و پوشاندن ضعف های ریز و درشت آن داشت. نوجوان های دهه ۱۳۶۰ برنامه های کودک و نوجوان این ایام را بخوبی به خاطر دارند که لابلای آن مجموعه های انقلابی هم به چشم می خورد و یکی از آنها شبنامه بود که در فضایی روستایی و در یک قهوه خانه می گذشت. منوچهر پوراحمد نیز اواخر دهه ۶۰ مجموعه ای به نام در انتهای شب را با محوریت یک روحانی جوان مبارز ساخت که نهایتا در این راه به شهادت می رسد. آخرین ایستگاه با بازی فیروز بهجت محمدی، سیامک اطلسی و فرخلقا هوشمند از دیگر مجموعه های مرتبط با انقلاب است که دهه فجر ۱۳۷۱ روی آنتن رفت و داستان آن نیز درباره قطاری است که قرار است به دست عوامل رژیم روی پل منفجر شود و تقصیر آن به گردن انقلابیون گذاشته شود اما مردم جلوی اجرای این نقشه شوم را می گیرند و طی آن راننده قطار نیز کشته می شود.

۵۳ نفر، ساخته یوسف سید مهدوی درباره گروهی سیاسی - مذهبی است که اسناد مهمی را از وزارت خارجه به دست می آورند و ساواک نیز برای به دست آوردن آن دست به تلاشی همه جانبه می زند. در این میان فردی معمولی که چندان شناختی از انقلاب و گروه های سیاسی ندارد، ناخواسته وارد این معرکه می شود. قاسم سیف، عنایت بخشی، فریبرز سمندپور و اردلان شجاع کاوه از دیگر بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند که ساختار خوب و منسجمی دارد و در روایت قصه دچار لکنت نیست.

رنا ساخته داوود میرباقری بدون شک از مهم ترین مجموعه های انقلابی سه دهه اخیر سیماست که از قصه ای منسجم و جذاب در کنار کارگردانی هوشمندانه میرباقری بهره گرفته و بازیگرانی بنام همچون

بهزاد فراهانی، پرویز پرستویی و رویا تیموریان را با خود دارد. رونا زنی میانسال و در آستانه مرگ است که فکر می کند فرزندش گم شده و یک روز بازمی گردد در حالی که او در یکی از درگیری ها تیر خورده و شهید شده است.

پرواز قرن به کارگردانی رسول صدرعاملی، بازخوانی خاطرات این فیلمساز سابقا خبرنگار از پرواز قرن است که امام خمینی (ره) و جمعی از یارانش را از فرانسه به ایران آورد. یک مستند داستانی جذاب و دوست داشتنی که حضور داوود رشیدی و فرهاد اصلانی جلوی دوربین آن به جذابیت بیشترش کمک شایانی کرده است. میعاد در سپیده دم، ساخته سعید سلطانی با بازی مجید مظفری، محمود عزیزی، شهره سلطانی و جمشید جهانزاده از دیگر مجموعه های انقلابی دهه ۷۰ تلویزیون است که وجه حادثه ای آن غالب است. سلطانی بحث حضور صهیونیست ها در ایران نیمه دهه ۵۰ را در این مجموعه مطرح کرده و آن را به حوادث انقلاب ایران در دل خانواده ای سستی گره زده است.

فیلم - مجموعه شیرین و فرهاد ساخته رحیم رحیمی پور از دیگر کارهای تلویزیونی ساخته شده در دهه ۷۰ است که در آن بازیگرانی چون شهرام پوراسد، پرند زاهدی و جهانبخش سلطانی بازی کرده بودند. در این مجموعه فرهاد که تازه با شیرین ازدواج کرده، به خدمت سربازی می رود و دوره سربازی اش با ایام انقلاب و فرار سربازان از پادگان ها مصادف می شود. آشنایی فرهاد با سربازی که قصد فرار دارد و راهنمایی یک نظامی انقلابی، بتدریج سبب می شود او نیز از پادگان بگریزد. فرهاد که در درگیری خیابانی دو گلوله خورده و از سوی جوان های انقلابی از زندان ساواک گریخته، به دنبال شیرین می رود و...

مجموعه شب چراغ به کارگردانی جمال شورجه، مجید جوانمرد و امیر قویدل از مجموعه های پرخرج دهه ۸۰ تلویزیون است که روزهای پراشتاب ایران از خرداد ۴۲ تا بهمن ۵۷ را به تصویر کشیده، اما این مجموعه با توجه به حضور سه کارگردان از یکدستی لازم برخوردار نیست و از این حیث لطمه چشمگیری خورده است.

فرار بزرگ، ساخته حسین لطیفی از معدود

مجموعه های انقلابی با درونمایه کمدی است که روزهای پایانی حکومت شاهنشاهی را با زبان طنز به تصویر کشیده است. شخصیت های اصلی کار، کاریکاتوری از شخصیت های واقعی هستند و شوخی های نوشته شده برای آنها از تلفیق کمدی موقعیت و کلامی به دست آمده است. بازی خوب شهره لرستانی، سعید امیرسلیمانی و جواد رضویان از نقاط قوت فرار بزرگ است که نقش غیرقابل انکاری در پربیننده تر شدنش داشته است.

چه کسی به سرهنگ شلیک کرد، ساخته جواد اردکانی هم به سرهنگ جهان بین می پردازد که مامور رسیدگی به تخلفات مالی مدیران رژیم پهلوی شده و در یک سوء قصد به قتل می رسد. در این میان تنها دخترش به دنبال کشف راز قتل پدر می رود و همراه دوست انقلابی اش قدم در راهی سخت و خطرناک می گذارد.

تا صبح، ساخته مجید جوانمرد از کارهای موفق تلویزیون درباره انقلاب است که به زندگی چند جوان در دهه ۵۰ می پردازد که هریک به شکلی با انقلاب پیوند می خورند. برگ برنده این مجموعه همانا قصه جذاب و شخصیت پردازی خوب آن است که به کلیت کار هویت می بخشد و بیننده را مجذوب خویش می سازد. استفاده از بازیگرانی همچون مجید مظفری، عسل بدیعی، امین زندگانی و ستاره اسکندری نیز نقش مهمی در کیفیت والای این مجموعه داشته است.

از نفس افتاده، ساخته قاسم جعفری نیز قصد نمایش جنایات رژیم پهلوی و افراد ساواک را داشت که به واسطه فیلمنامه ضعیف و آشفته اش به نتیجه درخور توجهی نرسید و یکی از ضعیف ترین و کم مخاطب ترین کارهای جعفری در تلویزیون به شمار می آید.

مجموعه تلویزیونی یک مشت پرقاب، بدون شک موفق ترین مجموعه انقلابی دهه ۸۰ سیماست که نقاط قوت بسیاری دارد. از کارگردانی اصغر هاشمی و فیلمنامه سنجیده اش گرفته تا بازی درخشان حامد بهداد، احمد آقالو، هرمز هدایت و علیرضا خمرسه که در نهایت به مجموعه ای منسجم تبدیل شده است. یک مشت پرقاب، ملودرامی خانوادگی است که با مرگ مشکوک دختر خانواده به دست یک مستشار آمریکایی به یک اثر جنایی معمایی تبدیل می شود که پایان تلخی هم برای قهرمان هایش رقم می خورد.

شب می گذرد، ساخته راما قویدل که در جشن سی امین سالگرد پیروزی انقلاب روی آنتن رفت، از یک قصه اصلی در کنار ماجراهای فرعی تشکیل شده و شخصیت هایش در طول کار با یکدیگر برخورد کرده، روی روند داستان اثر می گذارند. بازی خوب کورش تهامی، مجید مظفری، فرخ نعمتی و عمار تقی از نقاط قوت فیلم است که کارگردانی استاندارد راما قویدل آن را همراهی می کند.

در کنار آثار یاد شده می توان به مجموعه هایی اشاره کرد که بخش هایی از تاریخ معاصر همچون کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و قیام مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به تصویر کشیده اند. برای مثال می توان به مجموعه در چشم باد ساخته مسعود جعفری جوزانی، روزهای اعتراض به کارگردانی حسین سهیلی زاده و پدرخوانده ساخته محمدرضا ورزی اشاره کرد که این آخری به نفوذ جاسوسی به نام شاپور ریپورتر در دربار پرداخت و بحث هایی را مطرح کرد که پیش تر کمتر مجموعه ای به آن پرداخته بود.

سال های اخیر نیز در ایام دهه فجر کارهایی روی آنتن رفته و بخش مهمی از آنتن تلویزیون در این ایام به پخش تکراری سریال ها و فیلم های سینمایی با این مضمون اختصاص یافته است. امسال نیز سریال معمایی شاه ساخته محمدرضا ورزی روی آنتن سیما می رود که قرار است ماجرای نظام شاهنشاهی را از زاویه نگاه ورزی به تصویر بکشد.

وقوع انقلاب اسلامی به عنوان قله رفیع تاریخ معاصر ایران و حوادث پیش و پس از آن، همچنان ناگفته های وسیعی دارد که می تواند دستمایه تولید ده ها فیلم و سریال تلویزیونی قرار گیرد. مخاطبان سیما نیز در انتظار پخش مجموعه های جذاب با این موضوع، به قاب کوچک تلویزیون چشم دوخته اند.

تصفیه کننده هوا

بدون نیاز به فیلتر

- قابل حمل (هیچ دستگاه موجود در بازار قابلیت جابجایی آسان ندارد)
- بدون نیاز به فیلتر و همچنین عدم نیاز به تمیز کردن مداوم فیلتر
- کیفیت و کارایی عالی با قیمت مناسب (ارزانترین دستگاه)
- کارایی معادل گران ترین برندهای مطرح
- مصرف پایین برق

2H

دفتر فروش مرکزی

۰۲۱-۴۴۶۱۴۱۰۰

www.irandh.ir

(ارسال به تمام نقاط ایران)

شماره نمایندگی استانی ها را از دفتر فروش بخواهید.

قابل استفاده در منازل، دفاتر، اتاق خواب نوزاد، بیمارستان ها
مهدهای کودکان، مدارس، دفاتر تجاری و اداری و ...

۲ سال گارانتی
۱۰ سال خدمات
پس از فروش



کرمان: ۰۳۴۱۳۲۴۲۳۳۵

کرمانشاه: ۰۸۳۱۴۲۶۰۸۸۸

گلستان: ۰۱۷۲۲۲۳۹۰۹۰

گیلان: ۰۱۳۱۷۲۸۰۴۰۱

لرستان: ۰۶۶۲۳۲۶۱۶۳۶۴

مازندران: ۰۱۲۳۳۲۴۴۲۹۸

مرکزی: ۰۸۶۳۲۲۴۵۷۷۰

هرمزگان: ۰۷۶۱۲۲۴۳۱۰۹

همدان: ۰۸۱۱۲۶۵۳۴۰۳

عاملیت چهارمحال و بختیاری:

۰۳۸۲۴۲۲۵۷۴۵

آذربایجان شرقی: ۰۴۱۱۵۵۷۵۴۰۶

آذربایجان غربی: ۰۴۴۱۲۲۵۹۶۶۱

اصفهان: ۰۳۱۱۲۶۶۱۱۹۶

بوشهر: ۰۷۷۲۳۲۲۲۹۵۶

خراسان: ۰۵۱۱۶۰۴۴۸۹۱

سمنان: ۰۲۳۱۳۳۳۰۷۱۸

سیستان و بلوچستان: ۰۵۴۱۳۲۱۷۰۵۰

فارس: ۰۷۱۱۶۲۸۵۴۳۱

قزوین: ۰۲۸۱۳۳۳۱۴۶۵

کرج: ۰۲۶۳۲۴۰۲۱۹۵

دشت مغان: ۰۴۵۲۷۲۲۲۶۷۸

دستمزد واقعی ام را از مردم گرفته ام

آزاده صالحی

مریم امیر جلالی، بازیگری نام آشنا برای مخاطبان سینمایی و تلویزیونی است. او که کار خود را با بازی در سریال‌های تلویزیونی رنو تهران - ۱۱ و هتل شروع کرد و در سریال‌هایی همچون چارخونه، ترش و شیرین و خانه به دوش بیشتر دیده شد، بازی در ۲۳ سریال، سه فیلم تلویزیونی و ۱۳ فیلم سینمایی را در کارنامه دارد. با او در قاب خاطره به گفت‌وگو نشستیم.

شیرین‌ترین خاطرات شما از حضور پررنگ در قاب تلویزیون مربوط به کدام لحظه است؟
شیرین‌ترین خاطره من زمانی است که سریالی از تلویزیون پخش می‌شود، مخاطب با جان و دل به تماشای آن می‌نشیند و بعد از آن در خیابان جلوی مرا می‌گیرد و درباره سریال و نقش من صحبت می‌کند. در واقع، من سال‌هاست دستمزد اصلی‌ام را از مردم گرفته‌ام و وجود آنها برایم دلگرم‌کننده و پشتوانه بوده است.

کدام یک از ۲۳ سریالی را که برای تلویزیون بازی کرده‌اید، بیشتر دوست دارید؟
با این که مردم بازی مرا در سریال‌های مختلف دیده و با آنها ارتباط برقرار کرده‌اند، خود نقشی را که در مجموعه تلویزیونی «داستان یک شهر» ساخته اصغر فرهادی بازی کردم، خیلی دوست دارم و هنوز این نقش برایم جذابیت دارد. فرهادی بی‌تردید از افتخارات سینمای ایران و از معدود کارگردانی است که ضمن برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی، کاردان و مبتکر است و همین مولفه‌ها موجب موفقیت او شده است؛ کاش می‌توانستم بار دیگر در یکی از کارهای او به ایفای نقش پردازم. علاوه بر اینها، طی سال‌های گذشته حضور در سریال‌هایی مانند خانه به دوش، متهم گریخت و حتی چارخونه و ترش و شیرین برایم دستاورد خوبی همراه داشت و پس از پخش این سریال‌ها از طرف مردم بارها مورد تشویق قرار گرفتم.

سریال‌هایی که به آنها اشاره کردید، با کدام ویژگی توانسته‌اند بعد از گذشت چند سال همچنان در ذهن مردم ماندگار شوند؟

در درجه نخست از فیلمنامه خوبی برخوردار بوده‌اند. گذشته از این، کارگردانی که ساخت این سریال‌ها را برعهده داشتند، رسانه تلویزیون و رگ خواب مخاطب را بخوبی می‌شناختند، ضمن این که مولفه‌های دیگری مثل هم‌دل و منسجم بودن گروه در موفقیت این آثار نقش زیادی داشته است.

فکر می‌کنید اکنون جای ساخت چه سریال‌هایی در تلویزیون خالی است؟

از آنجا که با طیف گسترده مخاطب مواجه هستیم، جا دارد در تمام ژانرها سریال ساخته شود، یعنی همان‌طور که سریال طنز ساخته می‌شود، سریال ملودرام، مذهبی و مناسبتی نیز با کیفیت قابل توجه ساخته شود تا تلویزیون به‌عنوان رسانه‌ای فراگیر جوابگوی تنوع سلیقه مردم باشد. بحث کیفیت را از آنجا مطرح کردم که به‌عنوان مثال برخی سریال‌هایی که با محوریت طنز پخش می‌شوند، آن‌طور که باید به طرح موضوع منسجم و واحد نمی‌پردازد و بیشتر مواقع متکی به دیالوگ خنده‌دار هستند و محتوا از این کارها رخت بسته است. به بیان ساده‌تر، کمتر شاهد بروز و ظهور سریال‌هایی هستیم که مخاطب را تا پایان، پای تلویزیون نگه دارد. معضل کیفیت را در این مقطع باید از همیشه جدی‌تر



گرفت، بویژه این که اکنون سریال‌سازی، سوای بحث بودجه، با معضل جدی ضعف فیلمنامه مواجه است. **به‌عنوان بازیگری که فعالیت اصلی خود را از تلویزیون شروع کردید، فکر می‌کنید چه میزان از انتظارات شما در این رسانه برآورده شده است؟**
متأسفانه بازیگرانی مانند من اکنون با مشکلاتی مواجه هستند، که می‌توانم بگویم تبعیض در رأس این مشکلات قرار دارد.

از چه نظر؟
نباید بین ما و بازیگرانی که در سریال‌های الف حضور دارند، تفاوتی از نظر امکانات قائل شوند. همان‌طور که یک بازیگر برای بازی در سریال الف، از پنج بامداد آفیش می‌شود، ما نیز همین شرایط را داریم. این مورد از مواردی از این دست، به معنی واقعی آزاردهنده است. به‌طور کلی، امروز رفیق بازی و دار و دسته‌بازی بین گروهی از فعالان سینما و تلویزیون گسترش یافته و موجب شده فقط عده‌ای خاص از هنرمندان برای ایفای نقش به تلویزیون یا سینما دعوت شوند و بقیه در انزوا بمانند. در این میان، استعداد و توانایی بازیگر به شکلی که باید ملاک انتخاب نیست و همان‌طور که اشاره کردم، رابطه‌بازی جایگزین آن شده است.

در فیلم تلویزیونی «تاوان» برخلاف دیگر نقش‌هایی که داشته‌اید، نقشتان جدی و خاص بود. چگونه در این نقش خاص بازی کردید؟

این تله‌فیلم، اثری مناسبی بود که ایام محرم و صفر از تلویزیون پخش شد. حضور من در این کار تلویزیونی هم حکایت جالبی دارد و حالا که صحبت تاوان شد، بد نیست به آن اشاره کنم. با این که این فیلم تلویزیونی پیرنگ ملودرام داشت و می‌توان گفت برای اولین بار در چنین نقشی بازی کردم، اما حضور در تاوان برایم بازتاب خوبی در پی داشت و از سوی کارگردان و دیگر عوامل سازنده ایفای نقش تشویق شدم، اما کاش دیگر کارشناسان هم به توانایی من و امثال من توجه می‌کردند، بویژه این که در کارنامه هنری من بیش از نقش‌های جدی، حضور در نقش طنز به چشم می‌خورد و بازی در این نقش،



نقطه‌عطفی در کارنامه فعالیت من بوده است. به خاطر دارم برای حضور در این فیلم تلویزیونی به کارگردان گفته بودند، نترسیدی برای این نقش از مریم امیر جلالی استفاده کردی و او در پاسخ گفته، اول می‌ترسیدم ولی کار که به مرور زمان پیش رفت و بازی او را در یکی دو سکانس دیدم به این نتیجه رسیدم که نه تنها در انتخاب امیر جلالی به عنوان بازیگر تاوان اشتباه نکرده‌ام که به توانایی او برای حضور در این دست آثار نیز پی‌بردم. به‌هر حال انتظار داشتم تشویق بیشتری در این زمینه از سوی سیاستگذاران و کارشناسان صورت می‌گرفت که این امر میسر نشد.

دیدن نشدن چقدر برای بازیگر بار منفی به همراه دارد؟

نبود تشویق در درازمدت، بازیگر را آزاده‌خاطر و دل‌زده می‌کند، بویژه وقتی می‌بینیم یک بازیگر درجه سه که تا امروز بازی درخور اعتنائی هم ارائه نکرده، به‌دلیل مولفه‌های ظاهری، عکس‌هایش روی جلد نشریات مختلف منتشر می‌شود، ولی بازیگرانی که بدون پشتوانه مادی و معنوی و داشتن آشنا و رابطه توانسته‌اند بازی خوبی در نقش‌های مختلف داشته باشند، همواره نادیده گرفته می‌شوند و بندرت، کسی از آنها یادی می‌کند. از رهگذر بروز چنین مشکلاتی است که سریال‌های درست و حسابی به نورچشمی‌های این عرصه تعلق می‌گیرد. همچنان که می‌بینید، تعداد زیادی از بازیگران زن که سال‌ها در تلویزیون فعالیت داشته‌اند و نقش‌های ماندگاری از خود به جا گذاشته‌اند، خانه‌نشین شده‌اند و عملاً پیشنهادی برای حضور در سریال‌ها دریافت نمی‌کنند. آنها جوانی‌شان را در این حرفه گذاشته‌اند، اما امروز نسبت به آنها بی‌توجهی می‌شود. هیچ‌کس سراغی از آنها نمی‌گیرد و این سوال برایشان پیش نمی‌آید که آن بازیگران امروز در چه شرایطی هستند یا به چه دلیل میزان پیشنهادها به آنها کاهش یافته است.... **پیش از شروع گفت‌وگو اشاره کردید که احترام به هنرمندان پیشکسوت (هم از منظر سنی و هم به لحاظ جایگاه در عرصه هنر) از سوی برخی کارگردانان جوان نادیده گرفته می‌شود. چرا با این فضا مواجه هستیم؟**

من بارها شاهد برخورد نامناسب با بازیگران پیشکسوت سر صحنه بوده‌ام. البته اضافه کنم که چنین رفتارهایی از جانب کارگردانان جوان و بی‌تجرب‌ای صورت می‌گیرد که بدون پشتوانه علمی و عملی به عرصه سریال‌سازی آمده‌اند و اشراف و تسلط کافی ندارند. در عین حال، بارها دیده شده از بازیگری که قرار است نقشی فرعی را بازی کند به اندازه بازیگر اصلی وقت گرفته می‌شود. به این معنا که او هم ناچار است از ساعت ۷ صبح سر صحنه باشد، در حالی که بازی او از ساعت یک بعد از ظهر شروع می‌شود، اما باید در این فاصله زمانی، بیکار بماند و انرژی‌اش هدر برود.

بروز چنین مسائلی چقدر شما را دل‌زده کرده است؟

من هیچ‌گاه خود را صرفاً بازیگر تلویزیون یا سینما ندانسته‌ام، چون بر این روابط و فضا آگاه بوده‌ام. حتماً می‌دانید که شغل اصلی من پیش از ورود به عرصه بازیگری، مدیریت مالی بوده و بعد از ۳۰ سال خدمت صادقانه در این شغل بازنشسته شده‌ام. پس مشکلی با این قضایا ندارم، اما کاش می‌دانستند در دل هنرمندانی مثل من چه می‌گذرد. درباره خودم همیشه این‌طور فکر کرده‌ام که از بازیگر بودن تنها اسم آن را به‌دنبال می‌کشم و از مزایای بازیگری بی‌بهره‌ام.

باغ سرهنگ؛ روایتی تازه از حضور زنان

سریال باغ سرهنگ، نگاهی تازه به زنان را در مجموعه‌های تلویزیونی به تصویر می‌کشد

مریم رها



سریال ۳۰ قسمتی «باغ سرهنگ» به نویسندگی و کارگردانی فلورا سام و تهیه‌کنندگی مجید اوجی، چهارمین سریال سام پس از راز پنهان، شب‌های روشن و بی‌قرار است که پیش از این به‌عنوان بازیگر و بعدها به‌عنوان نویسنده یا به‌عرصه مجموعه‌های نمایشی تلویزیون نهاده بود. پیش از این او نگارش سریال‌های طنزی همچون نشانی، توطئه فامیلی و ماه عسل را در کارنامه داشته و برای اولین بار بین کارهایی که کارگردانی کرده، سراغ مضمون طنزآمیز رفته است.

باغ سرهنگ که از هفته گذشته روی آنتن شبکه تهران رفته است، ماجرای خواننده‌ای جوان به نام هادی با بازی نیما فلاح است که برای ضبط آلبوم موسیقی خود مشکل مالی دارد. او تصمیم می‌گیرد با عقد سمیرا با بازی آنایهتا همتی از وام ازدواج برای حل مشکلش استفاده کند، اما وام مدام به تعویق می‌افتد و این در حالی است که دخترعمویش شادی پس از اتمام تحصیلاتش از فرنگ برگشته و هادی طبق وصیتنامه عموی مرحومش باید با شادی ازدواج کند. هادی ازدواجش با سمیرا را از خانواده مخفی نگه می‌دارد و بعد از عقد برای این که جایی برای زندگی ندارند، تصمیم می‌گیرد در باغ متروکه سرهنگ که از اقوام دورشان است، زندگی مشترک را آغاز کند اما در باغ، با اتفاقات عجیبی مواجه می‌شود که یکی از آنها رویارویی با روح سرگردانی است که پی همسرش می‌گردد...

در این سریال محمد مطیع نقش هاشم پدر خانواده، افسر اسدی و شیرین نقش مادر خانواده، سحر ولدبیگی نقش هدی دختر خانواده و فرهاد آئیش نقش باغبان باغ سرهنگ را بازی می‌کنند. مجید صالحی نیز ایفاگر نقش ارسلان، همان روح سرگردان است. او در این سریال یکی از متفاوت‌ترین نقش‌هایش را تجربه می‌کند. همچنین فرهاد بشارتی نقش برادر و فاطمه هاشمی نقش زن‌برادر سمیرا را بازی می‌کنند که مدام درگیر ماجراهای زندگی او می‌شوند. مریم سعادت نیز نقش روح‌انگیز زن عموی هادی که راننده کامیون و رئیس یک باربری است و نسترن سالار هم نقش دختر او، یعنی شادی را بازی می‌کند. محمدرضا عباس‌نژاد هم بازی نقش دوست نزدیک نیما فلاح را به عهده دارد.

سریال طنز باغ سرهنگ با یک مضمون خانوادگی و اجتماعی، روایتگر زندگی هادی است که قصد دارد شرایط هنری و کاری خود را ارتقا دهد، اما در این مسیر عجولانه گام برمی‌دارد و مدام دروغ می‌گوید و اشتباهاتی از وی سر می‌زند که خود و اطرافیانش را دچار دردسر می‌کند. شخصیت‌های سریال همه خاکستری و پر از خصلت خوب و بد هستند. این سریال نه سوپرمن دارد، نه

بدمن و به همین دلیل، باید در به کار بردن عنوان طنز برای این اثر کمی تأمل کرد و بهتر است به ریشه‌های شکل‌گیری تراژدی یونان و کمدی رُم گریز زد.

تراژدی و کمدی از تقابل همین سوپرمن یا قهرمان و بدمن یا ضدقهرمان شکل می‌گیرد. تنها تفاوت آنها در قدرت و برتری یکی از این دو بر دیگری است. اگر در یک اثر شخصیت مثبت در مقابل شخصیت منفی شکست بخورد، حتی اگر شکست ظاهری باشد یا در رخداد آن حکمتی بوده باشد، تراژدی یا بهتر است بگوییم شبه‌تراژدی شکل می‌گیرد. از این منظر می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که باغ سرهنگ به دلیل خاکستری

سام به حساب می‌آید و سریال تلویزیونی سرگرم‌کننده‌ای به شمار می‌رود.

یکی از ویژگی‌های باغ سرهنگ که نمی‌توان نادیده گرفت، نوع حضور زن‌ها در این سریال است. در این مجموعه پنج نقش اصلی زن وجود دارد که همه کاملاً مستقل، صاحب‌نظر، قدرتمند و مهم‌تر از همه با یکدیگر متفاوت، اما کاملاً واقعی و باورپذیر هستند. البته این تفاوت در مردهای سریال هم مشهود است، اما از آنجا که سینما و تلویزیون عموماً زن‌ها را محدود به کارکرد مادرانه یا همسر بودن آنها نشان می‌دهد، می‌توان گفت کار آخر سام ثابت کرده است برای گفتن از زنان و دغدغه‌ها و مصائب آنها، نیاز به حضور فعال کارگردانان زن در این عرصه است تا بتوانند در عرصه هنرهای نمایشی با رنگ‌آمیزی متفاوتی که از زنان ارائه می‌دهند، شخصیت‌های دراماتیک زنانه را به این دست آثار وارد کنند و حتی موجب ایجاد تغییر و تحول در بازی بازیگران زن شوند.

سریال شش قسمتی بی‌قرار به کارگردانی فلورا سام - که چندی پیش در ایام اربعین از شبکه یک سیما پخش می‌شد - گرچه متن و بسیاری از موقعیت‌های آن برداشتی از یک فیلم ایتالیایی به کارگردانی جوزپه ترناتوره بود و در مجموع از راز پنهان چند قدمی جلوتر به نظر می‌رسید، اما به دلیل برخورد کاملاً احساسی کارگردان با متن، کار خوبی از آب درنیامده بود، اما در باغ سرهنگ، رد پای نویسنده و دیدگاه و قدرت پرداخت موضوع هم در فیلمنامه و هم در کارگردانی بخوبی قابل درک و دریافت است.

بودن شخصیت‌های اصلی، نمی‌تواند یک کار طنز به‌قاعده مرسوم باشد. طنزی که تعریفش برمی‌گردد به استفاده از زبان کنایه و اغراق و برای طرح مسائل و ناهنجاری‌های جامعه به قصد اصلاح؛ اما جدا از طنز رایج، نوعی طنز کودکانه هم وجود دارد که بیشتر به قصد سرگرم کردن و شوخی با جهان پیرامونشان نوشته می‌شود و بازی با قراردادهای ثابت و همیشگی زندگی و به چالش کشیدن ذهن خیال‌انگیز آدم‌ها را هدف گرفته است. همچنین میزان غلظت و رقت طنز هم کارکردهای خاص خودش را دارد. گاهی به شکل رگه‌هایی خوانش یک اثر را شیرین می‌کند و گاهی هم کل اثر را در بر می‌گیرد. در واقع باغ سرهنگ نوعی طنز کودکانه دارد که بر مبنای فانتزی است. جنس بازی نیما فلاح که بیشتر رفتارها و کنش و واکنش‌های کودکانه دارد، دلیل دیگری بر استفاده از این نوع طنز در سریال جدید فلورا سام است. هر چند فانتزی این متن از نوع کلیشه حضور ارواح و شنیدن صدای پدر مرحوم از قاب عکس و کامیون است، که به دلیل استفاده زیاد و یک جور از این فانتزی، بیننده را دلزده می‌کند. البته این سریال از نظر زیر و بم و شخصیت‌پردازی در متن، بازی‌های خوب و البته متفاوتی که بیشتر بازیگران محبوب تلویزیونی در این مجموعه ارائه می‌دهند و ریزه‌کاری‌هایی همچون خلاقیت کارگردان در میزانشن‌ها، استفاده از لوکیشن‌های متعدد، طراحی صحنه و لباس بهترین تجربه کارگردانی فلورا



فروش استثنایی چند قطعه زمین مسکونی
با مجوز ساخت در بهترین منطقه شهر جدید پردیس، به همراه تعدادی واحد ۲۳۰ تا ۵۸ متر
با وام ۲۵ میلیونی
و فروش آپارتمان‌های مسکن مهر فاز ۳ تا ۱۱
۸۸۹۵۱۳۱۶ - ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶

مولود
جهت بخش محصولات خود
در سراسر کشور
نماینده‌گی فعال می‌پذیرد.

پزد - ۳ راه شهنه روی روی ایستگاه اتوبوس، طبقه اول، مجتمع قرشته
۰۹۱۴۰۷۴۸۳۵۶ و ۰۳۵۱-۶۳۰۵۰۴۲۰۴۳

رستوران بین المللی تماشا
برای تکمیل کادر خود به تعدادی
سالن کار و کمک سالن کار ماهر نیازمند است
حداکثر سن ۳۵ سال
۰۲۱ - ۲۶۲۱۳۱۴۷

فومن (کاس احمدان استان)
ملان
۴۰۰ متر زمین - سند و دانگ - آلوده - مشرف - آب‌برق
کل: ۴۰۰ متر به مساحت ۳۵۰ متر مجوز وید: ۳۰۰ متر
مجوز سوله - مجوز پرورش ماهی سردابی و گرمابی و ...
آرمیده ۰۹۱۰۸۷۱۴۲۴۶

آمل - کیلومتر ۵
مشاور املاک تهران
اطلاعات ۲۰۰ متری ۱۲ میلیون با شرایط از ۵ هزار متر به بالا
بنری ۳۰ هزار، ویلا ۴۵ میلیون با شرایط
۰۱۱۸۵۵۰۶۵۱ (مدیریت طاهری) ۰۲۳۵۳۱۲۵ - ۱۲۱

به مکتب گمندی ایران
بیانید و بازیگر شوید
استادان: ابراهیم وحیدزاده، جمشید شاه محمدی،
جواد طوسی، کامیوزیا پر نوبی، فرهاد توحیدی،
شهرو لریستانی، شکر خدا گودرزی و ...
۶۶۵۶۸۱۰۳۰۴

سایوینس **savice**
پارتیشن و مبلمان اداری و منزل
۶۶۷۳۹۷۲۴ - ۶۶۷۳۹۵۷۳ - ۰۹۳۶۶۲۶۰۳۰۷
www.savice.ir info@savice.ir

تجربه بازی شهرآورد را دارم. فشارهای کاذب سبب می‌شود از زیبایی بازی کاسته شود. در ضمن فشار عصبی، بازی را به تنش می‌کشاند. آنها شش نفری درباره بازی دربی صحبت می‌کنند.

بخش اول برنامه ورزش و مردم که درباره ورزش محلات است، به اتمام می‌رسد. دو مهمان اول برنامه ادموند اختر و ادموند بزیگ همراه مهدی نفر وارد استودیوی پخش می‌شوند. در بخش بعدی نیما نکیسا و هادی طباطبایی با مهدی یکتا گزارشگر و نویسنده برنامه درباره شهرآورد ۷۸ و بازی سال‌های گذشته خود صحبت می‌کنند. زمانی که این بخش‌ها پخش می‌شود، بهرام شفیع در کنار صداپردار برنامه سیدمحمدرضا ممتحن می‌نشیند و با دقت به صحبت آنها گوش می‌دهد و از طریق گوشی نکاتی را یادآوری می‌کند. بخش دیگر برنامه را مهدی ارژنگی‌نیا اجرا می‌کند که در هشت سال اخیر از همکاران ثابت برنامه بوده است.

او می‌گوید: خبرهایی را که در سایت‌های خبری ورزشی طی یک هفته منتشر شده، گردآوری می‌کنم. از آنجا که در برنامه‌های ورزشی نسبت به کار این عزیزان توجه لازم وجود ندارد، در این فرصت کوتاه بخشی از زحمات آنها انعکاس داده می‌شود.

هنگام پخش آگهی بازرگانی با مهدی یکتا، گزارشگر و نویسنده برنامه صحبت می‌کنم. می‌گوید: ۱۵ سال است در حیطه مطبوعات ورزشی قلم می‌زنم و شش سالی است افتخار همکاری با آقای شفیع را دارم. یکتا معتقد است، رسانه نماینده افکار عمومی است و به همین دلیل گزارش‌های او برای خودش نیست بلکه برای مردم تهیه می‌شود. یکی از چالش‌های کار ما این است که به دلیل تعدد رسانه‌ها، برخی تیم‌ها و افراد، مثل گذشته نسبت به تهیه گزارش رغبت ندارند و می‌توانم بگویم نسبت به این موضوع احساس بی‌نیازی می‌کنند. نظر یکتا را درباره شهرآورد هفتاد و هشتم می‌پرسم که می‌گوید: به عشق مردم بازی کنند. به خاطر مردم که قرار داد نمی‌بندند، به خاطر مردم که تمرین نمی‌کنند، اما به خاطر مردم بازی کنند. بعضی طرفداران کیلومترها مسافت طی می‌کنند تا در استادیوم آزادی بازی زیبایی هر دو تیم را ببینند.

مهدی نفر که چهار سال است به عنوان گزارشگر با برنامه همکاری دارد، می‌گوید: از شش سالگی ورزش و مردم را می‌دیدم و از همان موقع با خودم می‌گفتم آیا می‌شود یک روز با این برنامه همکاری کنم؟

او که حالا به این آرزوی بزرگ رسیده، می‌گوید: در چنین برنامه‌ای کارکردن سخت است، اما راهنمایی استاد شفیع به من دلگرمی می‌دهد.

به سمت امیر اقبال شفیع می‌روم و از او می‌خواهم درباره برنامه صحبت کند. او رو به پدرش بهرام شفیع می‌گوید: بابا اجازه می‌دهی؟ بهرام شفیع با خنده می‌گوید:



ورزش - حاشیه + بهرام شفیع

گزارشی از پشت صحنه برنامه قدیمی «ورزش و مردم» شبکه یک سیما

سیما پویا

می‌کنند. پیش‌بینی شفیع از نتیجه بازی را جویا می‌شوم که می‌گوید: امیدوارم هر دو تیم بازی خوبی ارائه دهند و به نظر من این بازی هم فقط سه امتیاز دارد.

شفیع در ادامه می‌گوید: در کل طرفدار آبی یا قرمز نیستیم. همه دوستان می‌دانند حدود سه سال رئیس کمیته مشترک باشگاه استقلال و پرسپولیس بودم. او با خنده به نیما نکیسا، یکی از مهمانان نگاه می‌کند و می‌گوید: از تیم ملوان خوشم می‌آید، ضمن آن که فوتبالی صرف نیستیم و رئیس فدراسیون هاکی هم هستیم. مهمانان برنامه یکی یکی می‌آیند. ادموند اختر، بازیکن سابق استقلال و نیما نکیسا دروازه‌بان سابق پرسپولیس روبروسی می‌کنند. در همین زمان هادی طباطبایی، دروازه‌بان سابق استقلال از راه می‌رسد. نیما رو به او می‌گوید: همیشه باید تو را از خواب بیدار کنم؟ در همین حین، ادموند بزیگ بازیکن سابق پرسپولیس وارد استودیو می‌شود. همگی می‌خندند و در فضایی دوستانه از نتیجه بازی صحبت می‌کنند. نظر آنها را درباره کری خوانی قبل از این بازی سنتی می‌پرسم. بزیگ می‌گوید: اهل کری خواندن نیستیم. حتما

کمی به ساعت ۹ صبح آخرین جمعه دی ماه مانده که وارد رژی پخش شبکه یک سیما می‌شوم. ابتدا داوود قندهاری، مدیر تولید و مجری طرح برنامه «ورزش و مردم» را می‌بینم که ضمن خوشامدگویی، مرا به مصطفی بشایی، ناظر پخش معرفی می‌کند. سپس به سمت بهرام شفیع می‌روم که با همکارش درباره برنامه صحبت می‌کند. شفیع تأکید می‌کند: زمان اجرای این بخش، از هر سائیتی که عکس انتخاب شود، اسم آن سایت خبری ذکر شود تا اهمیت کار دوستان عکاس نمود بیشتری داشته باشد، زیرا شکار لحظه‌های قشنگ ورزشی کار آسانی نیست. پس از چند دقیقه، شفیع می‌گوید: چه روز پرکاری را برای تهیه گزارش انتخاب کردید. تا چند دقیقه دیگر، شش مهمان ورزشی به استودیو می‌آیند.

در حالی که هنوز تا آغاز برنامه زمان باقی است، بیشتر افراد حاضر در استودیو درباره شهرآورد تهران صحبت

بهرام، شفیع تهیه‌کننده و مجری برنامه قدیمی ورزش و مردم، همچنان پایه‌های این برنامه آمده است. شفیع سال ۱۳۵۸ در امتحان ورودی برای اجرا شرکت کرده و بعد از چند مرحله تست دادن، مجری برنامه ورزش و مردم در سال ۵۹ شده، ضمن آن که از سال ۶۲ تهیه‌کنندگی برنامه را هم برعهده داشته است. شفیع که در سومین جشنواره بین‌المللی جام‌جم به دلیل اجرای این برنامه سرو زرین دریافت کرد، در پشت صحنه و در فاصله دو بخش زنده برنامه، به چند پرسش ما پاسخ داده است.

بهترین حسی که از تداوم برنامه از سال ۵۸ تاکنون دارید، چیست؟

حس یکی شدن با ورزش و مردم. من با این برنامه زندگی می‌کنم... ۳۳ سال زمان کمی نیست.

این تداوم چه رازی داشته؟
فضای برنامه به گونه‌ای طراحی شده که بیننده مجالی برای انتخاب



براساس سلیقه شخصی خود داشته باشد. در همین ارتباط تلاش می‌کنیم متفاوت باشیم و بستری مناسب برای پیوند مخاطب با دنیای ورزش مهیا کنیم که با بهره‌گیری از عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات تمامی مرزها را در نور دیده است. انتخاب موضوعات روز، پاسخگویی و تعامل خوب با مسئولان ورزشی و همچنین همکاری ورزشکاران از عواملی است که موجب موفقیت برنامه در این گستره زمانی شده است. همیشه سعی کرده‌ایم نسبت به برنامه‌های ورزشی دیگر متفاوت باشیم. تفاوت ما هم در این است که ورزش و مردم متعلق به تمام رشته‌های ورزشی بوده و هست و ما امروز فقط به یک رشته ورزشی نمی‌پردازیم. در واقع هدف ورزش و مردم همیشه این بوده که مخاطبان رشته‌های گوناگون ورزشی در این برنامه سهم داشته باشند. البته من با برنامه‌هایی که فقط به یک رشته می‌پردازند مخالف نیستیم، اما رسالت برنامه ورزش و مردم این‌گونه است.

و همچنان کاری به حاشیه‌ها ندارید...

حقیقت را بگو. امیراقبال می‌گوید: در شبکه ورزش فوتبال لیگ دسته یک، بسکتبال و تنیس را گزارش می‌کنم. حدود دو سال است با برنامه ورزش و مردم در قسمت رایانه و هماهنگی با دیگر اعضای تیم همکاری می‌کنم. او که دانشجوی رشته زیست‌شناسی است، در رده نوجوانان دروازه‌بان بوده اما میچ پایش از سه قسمت شکسته و به همین دلیل با فوتبال حرفه‌ای خداحافظی کرده است. شفیع پسر می‌گوید: بهرام شفیع بین من و دیگر عوامل برنامه تفاوتی قائل نیست و همیشه گوشزد می‌کند کار با رابطه پدر و فرزندی فرق می‌کند و همه باید تلاش کنیم برنامه خوبی روی آنتن برود.

از جمال شاهرانی، کارگردان تلویزیونی برنامه می‌خواهم درباره ورزش و مردم صحبت کند که می‌گوید: ورزش یعنی تحرک و سلامت. روزهای جمعه شاید همه دوست داشته باشند بخوابند، اما حال و هوای این برنامه طوری است که با عشق و علاقه به محل کار می‌آییم. اگر هر کدام از این دوستان که کنار من هستند، نباشند هیچ کاری نمی‌توانم به تنهایی انجام دهم.

برنامه ادامه می‌یابد و کاپیتان‌های سابق تیم‌های استقلال و پرسپولیس همراه بهرام شفیع وارد استودیو می‌شوند. موضوع صحبت امروز، درباره نقش کاپیتان و جایگاه او در بازی فوتبال است. پیروانی و فکری خاطراتی از بازی‌های خود در سال‌های قبل می‌گویند و به این می‌بخت می‌پردازند که کاپیتانی فقط بستن بازوبند یک تیم نیست. در خاتمه، هر دو کاپیتان در اظهارنظری واحد اعلام می‌کنند اگر در طول سال چند بازی بین تیم‌های استقلال و پرسپولیس انجام شود، حساسیت بازی کم می‌شود.

در همین زمانی داوود قندهاری از ناظر پخش زمان بیشتری می‌خواهد. مصطفی بشابی، ناظر پخش می‌گوید: کمتر از سه دقیقه تا اذان ظهر وقت داریم.

قندهاری رو به من می‌گوید: وقت برنامه کم است و امیدوارم مدت زمان پخش برنامه در آینده بیشتر شود. بعد از اتمام برنامه، شفیع به مهدی صفری تصویربردار دوربین شماره سه می‌گوید: خسته نباشی! و رو به من می‌گوید: صفری هر هفته با ما همکاری می‌کند. از صفری درباره این همکاری می‌پرسم که می‌گوید: سه سال است با برنامه ورزش و مردم همکاری دارم. از آنجا که برنامه‌های ورزشی، پرتحرک هستند و در ذات خود هیجان دارند، من و دیگر همکارانم با کمک دیگر عوامل فنی تلاش می‌کنیم نماها و تصاویر طوری گرفته شود که حتی وقتی گفت‌وگوها طولانی می‌شود، برنامه برای مخاطبان خسته‌کننده نشود.

در حالی که گروه آماده ترک استودیوست، بهرام شفیع به همکارانش می‌گوید: بچه‌هایی که به ورزشگاه آزادی می‌روند، زود ناهار بخورند.

متوجه می‌شوم در حالی که ساعت ۱۲ و ۵ دقیقه ظهر است، تیم گزارشی برنامه ورزش و مردم می‌خواهد یک ساعت قبل از شروع بازی دربی به تیمی که از صبح در ورزشگاه آزادی مستقر شده، ملحق شود.

لقب: قدیمی ترین

برنامه‌های مختلف ورزشی با عناوین متفاوت از شبکه‌های تلویزیون پخش می‌شوند، اما برنامه ورزش و مردم شبکه یک سیما، سال‌های سال است به شکل مستمر از شبکه یک پخش می‌شود و لقب قدیمی‌ترین برنامه هفتگی تلویزیون را به خود اختصاص داده است. نکته جالب این که ورزش و مردم از معدود برنامه‌هایی است که توانسته بیش از سه دهه، مخاطبان تلویزیونی را همراه خود کند. چه در مقطعی که فقط تصاویری از دو شبکه تلویزیونی بر آنتن خانه‌ها فرستاده می‌شد و چه امروز که شبکه‌های متعدد تلویزیونی -از جمله شبکه تخصصی ورزش - با مردم در ارتباط هستند.



ی نیست...

بله چون به نظرم ورزش پدیده‌ای اجتماعی، فرهنگی، مهیج و زیباست و به همین دلیل، تلاش می‌کنیم وارد مسائل حاشیه‌ای نشویم زیرا به عنوان رسانه به رسالت کاری خود درباره شفاف‌سازی اعتقاد راسخ داریم و معتقدیم از این طریق می‌توان اتهامات افکار عمومی را برطرف کرد. پیام یک برنامه تلویزیونی باید رفتارسازی باشد و سعی من و تمام همکاران برنامه ورزش و مردم، ارائه یک مدل رفتاری مطلوب در حوزه ورزش است. به همین دلیل هنگام تهیه گزارش وارد حاشیه‌های ورزشی نمی‌شویم، بلکه ضمن توجه به نیاز مخاطب، به اخلاق‌مداری در ورزش توجه می‌کنیم یعنی بر مبنای اتفاقات و مسائلی که طی یک هفته در فوتبال کشور رخ می‌دهد، مهمان حضوری و در مواردی مهمان تلفنی داریم، اما تلاش می‌کنیم تا جایی که ممکن است، گفت‌وگوها دور از جنجال و تنش انجام شود و هدف کلی طرح موضوعات

در برنامه ورزش و مردم، رفع سوءتفاهم و رسیدن به نقطه اشتراک و ایجاد محیط سالم ورزشی است.

به نظر می‌رسد این رویکرد به تیم برنامه‌ساز شما هم منتقل شده و اینجا هیچ کس به حاشیه‌ها کاری ندارد؟

تیم برنامه‌ساز ورزش و مردم روی یک خط مستقیم حرکت می‌کند و به باندبازی و مسائل حاشیه‌ای فکر نمی‌کند. هدف این تیم ارتقای سطح ورزش کشور است.

شما سابقه پوشیدن لباس ورزشی و بازی فوتبال هم دارید، اما چرا میان بازی فوتبال و گزارشگری، دومی را انتخاب کردید؟

از بچگی به گزارشگری علاقه داشتم و از نوجوانی ضمن این که فوتبال بازی می‌کردم، گزارشگری هم می‌کردم. در مدرسه و دانشگاه دوستانم می‌گفتند یا بازی کن یا گزارشگر باش! در نهایت حرف آنها را گوش کردم و گزارشگر شدم.

برداشت ۲



ملودرامی جذاب با چاشنی سیاست

به انگیزه موفقیت «ارمغان تاریکی» در جشنواره جام‌جم و آغاز بازپخش آن

محمد جلیوند

روزهای اولیه پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ - که این روزها در آستانه سی و پنجمین سالگرد آن به سر می‌بریم - التهاب سیاسی زیادی وجود داشت که بخش مهمی از آن به گروهک منافقین و اعمال خشونت‌آمیز آنها در قبال مردم بی گناه بازمی‌گشت. این گروهک که به مرور، ماهیت ضدانقلابی خود را آشکار کرد، با شعارهای تبلیغاتی رنگارنگ و تمرکز بر قشر دانشجو، بخشی از آنها را تحت تاثیر قرار داد و جذب کرد. در این میان برخی هم که شناخت درستی از این سازمان و اهداف پلید آن نداشتند به‌واسطه دوستان خود جذب شدند. مجموعه تلویزیونی ارمغان تاریکی، ساخته جلیل سامان - که درخشش خیره‌کننده‌ای در جشنواره جام‌جم امسال داشته - از معدود نمونه‌های موفق در این زمینه است که داستان عاشقانه خود را در بستری از سیاست روایت کرده است. سامان با انتخاب روزهای پایانی دهه پنجاه - که با آغاز جنگ تحمیلی و اوج‌گیری درگیری منافقین با دولت جمهوری اسلامی و مردم همزمان شده - بخش مهمی از راه موفقیت را طی کرده و مخاطب را از همان ابتدا وارد دنیای آدم‌هایش می‌کند.

ارمغان تاریکی ملودرامی جذاب با درونمایه سیاسی است که فیلمنامه محکم و استخوان‌داری دارد. شخصیت‌های اصلی خیلی زود به مخاطب معرفی می‌شوند و روابط میان آنها مختصر و مفید توضیح داده می‌شود. از پرگوئی و حاشیه روی در این باب پرهیز و از این طریق، ریتم تندتری به کلیت کار داده شده است. پرداخت شخصیت‌های محوری همچون مجید، سارا و مهری بدون توجه به حوادث سیاسی آن سال‌ها کار بیهوده‌ای است که سامان از آن پرهیز کرده و شخصیت‌های یاد شده را در دل حوادث آن ایام پرتلهاب قرار داده است. مجید دانشجوی رشته عکاسی که شناختی از سیاست ندارد و در دنیای عکس به سر می‌برد، به‌واسطه علاقه‌اش به مهری (هم‌دانشگاهی‌اش) وارد بازی خطرناک منافقین می‌شود و ماجراهای تلخی را از سر می‌گذراند. در واقع مجید نماینده افرادی است که به شکل‌های مختلف در دام این گروهک گرفتار شده‌اند و تاوان سختی پرداخته‌اند. او ناخواسته و برای اثبات علاقه‌اش به دختر وارد این فضا شده و به همین خاطر خیلی زود از این حلقه خارج می‌شود. لایه‌های مختلف طراحی شده برای این شخصیت بخوبی مخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهد و با فراز و نشیب‌هایش همراه می‌سازد. در طرف دیگر ماجرا شخصیت‌هایی قرار دارند که منفی هستند و در برابر مجید به‌عنوان قهرمان داستان قلع‌عم می‌کنند. مهری نمونه کامل یک دانشجوی سیاست زده چپی است

که در تزه‌ای سیاسی این گروهک غوطه‌ور شده و فردیت خود را از دست داده است، به نحوی که علاقه نجیبانه مجید به خود را نمی‌بیند و بی‌تفاوت از کنار آن عبور می‌کند. حتی در جاهایی از این علاقه به نفع خود و سازمانش استفاده می‌کند و جز منافع خود هیچ نمی‌بیند! سامان در طراحی این شخصیت ظرافت بسیار به خرج داده و لایه‌های پیدا و پنهان بسیاری برایش تدارک دیده است. برای مثال می‌توان از اشارات گذرای او به وضع مرفه خانواده مهری یاد کرد که بیش از هر چیز نشان‌دهنده پشت کردن او به بورژوازی خانوادگی و علاقه‌اش به جدایی از طبقه خود است. دیگر شخصیت این گروه با بازی درخشان امیر آقایی نمونه‌ای از سرگردانی آدم‌های این گروهک و تزلزل در افکارشان است که به پوچی ختم می‌شود. در طرف مقابل سارایی قرار دارد که متعلق به طیف مذهبی است و آرمان‌های انقلابی دارد و در این جهت گام برمی‌دارد. وجوه مثبت سارا به اندازه‌ای است که حتی وقتی اعتراف مجید به دروغ‌گوئی را می‌شنود، تنها چند روزی از او دور می‌شود اما تحت تاثیر تربیت مذهبی‌اش مجید را می‌بخشد و فرصت جبران می‌دهد. سارا یکی از بهترین شخصیت‌های زن خلق شده سریال‌های تلویزیونی است که هویتی کاملاً مستقل دارد و مخاطب را به همذات‌پنداری با خویش وامی‌دارد.

خلق فضای نیمه دوم دهه پنجاه آن هم در پایان دهه هشتاد به لحاظ صحنه آرایی کار بسیار دشواری است که گروه ارمغان تاریکی از عهده آن برآمده است. این در حالی است که تهران این روزها بشدت با آن ایام فرق کرده و حتی ساختن یک خیابان با فضای دهه پنجاه، سختی‌های بسیار دارد و هزینه گزافی می‌طلبد. از سوی دیگر نمی‌توان به کارگردانی هوشمندانه جلیل سامان اشاره نکرد که بی‌تکلف است و در بسیاری لحظات عمداً به چشم نمی‌آید. او در انتخاب بازیگرانش ریسک بزرگی کرده و اغلب از چهره‌های جوان نه‌چندان شناخته شده همچون آرش مجیدی، لیلا زارع و سودابه بیضایی بهره گرفته است، بازیگرانی که به بهترین شکل از عهده ایفای نقش برآمده و با آن زندگی کرده‌اند. بویژه آرش مجیدی که شخصیت مجید را کاملاً درک کرده و به جوان پرشور انتهای دهه پنجاه نزدیک شده و لحظات عاطفی درخشانی را هم رقم زده است. سودابه بیضایی هم یک نقش منفی درخشان با لایه‌های مختلف را بخوبی تصویر کرده و پارت‌نر خوبی برای مجیدی بوده است.

ارمغان تاریکی به‌عنوان یک ملودرام عاشقانه در بستر سیاست مجموعه‌ای به یادماندنی است که می‌تواند مرجع خوبی برای نسل جوان از روزهای پایانی دهه پنجاه ایران باشد.

بازگشت به خود با فرمول رسانه ملی

کندو کاوی در مبحث رسانه و سبک زندگی از نگاه کارشناسان

نسرین بختیاری

در سال‌های اخیر و با ورود رسانه‌های مهاجم، اهمیت پرداختن به سبک زندگی در ایران بارها از سوی بزرگان و کارشناسان مورد تأکید قرار گرفته است. پژوهشگران و صاحب‌نظران معتقدند، امروزه بخشی از وظیفه هنجارسازی رفتاری در سبک زندگی متوجه رسانه‌های جمعی بویژه تلویزیون است، چراکه رسانه بومی، به دلیل ارتباط فرهنگی و زبانی، راحت‌تر می‌تواند در القای سبک صحیح زندگی به جامعه نقش آفرین باشد.

امروزه انبوه وسایل ارتباط جمعی، جامعه و بویژه نسل جوان را دچار سردرگمی کرده است. رسانه‌های مهاجم (اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای و مجازی) الگوهای همسو با فرهنگ بیگانه را ترویج می‌کنند که سبب می‌شود مخاطب در بیشتر موارد، فرهنگ وارداتی در سبک زندگی را جایگزین انگاره‌های پیش‌رونده مدرنیسم کند و نتواند بین آنچه برای بهبود زندگی اجتماعی مناسب‌تر است و آنچه هویت فرهنگی را از او می‌گیرد، تفکیک قائل شود.

رسانه؛ یک قدرت فرهنگی در بحث سبک زندگی

علیرضا مرتضوی، کارشناس ارشد مشاوره درباره راهکارهای ترویج سبک زندگی ایرانی می‌گوید: متأسفانه در فضای رفتاری جامعه ما مقوله تفکر کمیاب است و کم‌رنگ دیده می‌شود. اگر به مقوله تفکر اهمیت بیشتری داده شود، بازتاب آن در تمام رفتارهای اجتماعی انسان اعم از صحبت کردن، پوشش و سبک زندگی مشاهده خواهد شد. اگر قبول کنیم ظاهر هر فردی ویتترین شخصیتی اوست، باید به نوع لباسی که انتخاب می‌شود، فکر و توجه شود.

مرتضوی ادامه می‌دهد: در بحث مد و مدرگرایی خلأهای عاطفی و روانی جوانان مؤثر است. کمبودهای تربیتی در سنین پایین و مدرسه ما را با بحران مواجه کرده است. جامعه ما جوان است و به دلیل خلأهای عاطفی و بحران‌های شخصیتی دچار سردرگمی می‌شوند و همین مساله در مد نمود پیدا می‌کند. مساله جوان امروز ما سرگشتگی است و به همین دلیل سیستم و سبک زندگی نامشخصی دارد. بعضی رفتارها اقتضای سن جوانی است، اما به نظر می‌رسد رفتارها در زمان حال خارج از چارچوب انسانی است.

این مجری درباره دلیل خروج برخی رفتارها از چارچوب انسانی بیان می‌کند: متأسفانه در خانواده‌ها و مدرسه به سیستم رشد روانی و تربیتی افراد اهمیتی نمی‌دهیم. اگر بخواهیم به ترویج الگوهای اساسی برسیم، باید نیروی انسانی خودمان را تربیت کنیم و قطعا جوانان ما به دنبال الگوهای خوب می‌روند و اصلا نیازی نیست میان هیاهوی رسانه‌ای نگران باشیم.

وی ادامه می‌دهد: رسانه فقط ابزار فرهنگی نیست بلکه به‌عنوان قدرت فرهنگی مطرح است و باید مؤثر و فکر شده حرکت کند و بداند در چه جهتی حرکت می‌کند تا به ماهیت رسانه‌ای خود نزدیک شود.

مرتضوی با اشاره به بحران کنونی جامعه ما می‌افزاید: بحران کنونی جامعه ایرانی به این دلیل است که رفتار ما آمیخته با تفکر نیست. رسانه با سریال‌ها یا برنامه‌هایی که نمایش می‌دهد، می‌تواند به‌عنوان یک قدرت فرهنگساز مؤثر در نظر گرفته شود.

مجری و کارشناس برنامه‌های تلویزیونی می‌گوید: من به شرطی می‌توانم مجری یک رسانه فرهنگساز باشم که دیگر مجریان آن رسانه هم در جهت فرهنگسازي قدم بردارند. تهیه‌کنندگان برنامه‌ها باید بدانند در چه مسیری

حرکت می‌کنند و در زمینه‌های هنری و اجرایی مطالعه و تخصص داشته باشند. وی با اشاره به لزوم استفاده از رنگ‌های شاد در لباس‌ها می‌افزاید: اقدام فروشگاه‌هایی که لباس‌های سنتی را ترویج می‌کنند، مطلوب است، اما با توجه به قشر جوان که بخش وسیعی از جامعه را تشکیل می‌دهد، باید ترکیب‌بندی رنگی که در این لباس‌ها به کار می‌رود، کاملاً شاد و جوان‌پسند و سرشار از طرح‌های متنوع باشد تا جوانان بیشتر به استفاده از این لباس‌ها گرایش پیدا کنند.

مرتضوی توضیح می‌دهد: تا وقتی تخصص‌مدارانه به مسائل نگاه نکنیم، به همین شرایط پسند خواهیم کرد. یک روان‌شناس می‌تواند نظرات خوبی برای ترویج فرهنگ مد و لباس داشته باشد. ما به تنوع و رنگ‌های شاد در طراحی لباس احتیاج داریم تا زیبایی جوانان را دوچندان کند.

مرتضوی با اشاره به تأثیرگذار بودن قالب‌های نمایشی در رسانه می‌گوید: القای یک موضوع به صورت غیرمستقیم و نمایشی تأثیر بسیاری دارد و البته بیان نمایشی باید کاملاً هشیارانه و برنامه‌ریزی شده باشد. ما در فرم اجرای مسائل مورد نیاز جامعه باید برنامه‌ریزی کنیم و امیدوارم در این خصوص اتفاق خوبی بیفتد.

لزوم استفاده از الگوهای سنتی

محمدتقی رفعتی، تهیه‌کننده و کارگردان برنامه «راه آرامش» که از شبکه دو پخش می‌شود، می‌گوید: اگر مجریان یا بازیگران مجموعه‌های نمایشی از الگوها و پوشش‌های سنتی استفاده کنند، تأثیرگذاری بیشتری دارد چون زبان انتقال غیرمستقیم سریع‌تر بر مخاطب اثر می‌گذارد. ما در حد یک برنامه ترکیبی راهکار سبک زندگی معرفی می‌کنیم. در حقیقت قدم اول را برمی‌داریم، اما اجرای عملی آن به برنامه‌های دیگر بازمی‌گردد.

تهیه‌کننده برنامه «راه آرامش» عنوان می‌کند: برنامه‌های کودک و نوجوان در ترویج الگوهای سنتی و بومی پوشش، تأثیر بسزایی دارند. بازی‌های رایانه‌ای

می‌شود. متأسفانه تاکنون چند متخصص کنار یکدیگر قرار نگرفته‌اند تا الگوهای سنتی و بومی مطابق فرهنگ خودمان در جامعه رواج پیدا کند. جوان امروز به دلیل نداشتن الگوی مناسب از الگوهای جوامع دیگر پیروی می‌کند و مسئولان باید در برخورد با این مساله اهتمام ویژه داشته باشند.

وی ادامه می‌دهد: پرداختن به بحث سبک زندگی در رسانه ملی نکته حائز اهمیت است و به نظر می‌رسد سیاستگذاران باید برنامه مشخصی برای ترویج الگوهای پوشش و اخلاق مطابق با فرهنگ عمومی جامعه داشته باشند. جوان امروز در معرض آسیب‌های بسیاری است و رسانه ملی می‌تواند در این زمینه فرهنگساز باشد و شور و شعور همراه با تفکر را بیافریند.

نسبت به ضعف‌های خودمان آگاه باشیم

مهدی اسماعیل‌تبار، کارشناس ارشد علوم تربیتی و دکترای مدیریت فرهنگی که برنامه «امروز هنوز تموم نشده» را روی آنتن شبکه یک داشت، درباره رویکرد رسانه ملی در سبک زندگی خاطرنشان می‌کند: بیش از ۲۶ نهاد فرهنگی در کشور داریم که رسانه ملی طی سه‌سال گذشته کم‌اعتبارترین آن بوده است؛ به این معنا که بودجه کم داشته است. نداشتن بودجه برای تبلیغات، مثل شرکت در جنگ بدون تسلیحات است.

اسماعیل‌تبار یادآور می‌شود: مسیر حرکت رسانه ملی صحیح است، اما گاهی کند حرکت می‌کند و به ندرت اتفاق خاصی می‌افتد. در مقوله سبک زندگی ما باید تکلیف خودمان را با خودمان مشخص کنیم؛ مثلاً مجریانی که به دنبال گرفتن تابعیت خارجی‌اند یا دو شخصیتی هستند، نمی‌توانند در آنتن زنده درباره

می‌دهد: مجموعه‌هایی شبیه این تجربه اول یک رسانه مبتنی بر دین، اخلاق، آگاهی و امیدبخشی است و این سریال تجربه سختی است.

این کارشناس ارشد علوم تربیتی توضیح می‌دهد: رقابت تلویزیون با شبکه‌های ماهواره‌ای غیرمنطقی است، چراکه این شبکه‌ها سلیقه مخاطب را نازل کردند و تلویزیون ما باید سلیقه مخاطب را ارتقا دهد.

اسماعیل‌تبار خاطرنشان می‌کند: نمایش ناهنجاری دلیل تأخیر آن نیست و برخی جاها کارکرد واقع‌گرایانه و تقییحی دارد و ادامه می‌دهد: قبول دارم در سریال آوای باران بی‌احترامی دختر نسبت به پدر به وجود آمد، اما نمی‌توان چنین برخوردهایی را در جامعه انکار کرد. تلویزیون باید زمینه این نوع دیدن را فراهم کند و باید برنامه‌ریزی مشخص در زمینه ترویج سبک زندگی ایرانی داشته باشیم. اگر زمینه‌چینی برای این نوع دیدن فراهم شود، مخاطب از این برخورد شوکه نمی‌شود. نباید سبک زندگی در تلویزیون به گونه‌ای رواج پیدا کند که آدم‌های بد همیشه پولدار و شیک تصویر شوند و آدم‌های دیگر فقیر و کثیف به نمایش درآیند. قشربندی آدم‌ها در تلویزیون کار اشتباهی است.

اسماعیل‌تبار با اشاره به سبک زندگی در دوران دفاع مقدس می‌گوید: جنگ مثل کارخانه آدم‌سازی بود که گاه انسان‌ها با خوی و خصلت بد وارد آن شدند، اما نهایتاً رفتارها و باورها بر اثر آن فضا تغییر کرد. برای ارائه الگوی ثابت سبک زندگی اسلامی - ایرانی، باید بیش از هر چیز مبانی را بشناسیم.

این کارشناس تربیتی و فرهنگی عنوان می‌کند: امروزی کردن مفاهیم کهن ایرانی اهمیت ویژه دارد تا از این طریق با نسل امروز ارتباط برقرار کنیم. باید نیم‌نگاهی به تربیت پدران و مادران موفق نسل گذشته داشته باشیم و این رفتارها را به روز کنیم و به جامعه امروز ارائه دهیم چون اکنون صحبت و عملکرد ما سختیاتی را یکدیگر ندارد. ما باید مؤلفه‌هایی برای سبک زندگی اسلامی - ایرانی تعریف و کاری کنیم که این سبک زندگی وارد زندگی عادی مردم و رفتارها شود. کاهش طلاق و ناهنجاری‌ها از سویی و کاهش رفتارهای اجتماعی و مدنی مثل تصادفات جاده‌ای نشانه‌ای از ارتقای فرهنگی و افزایش دانش نسبت به سبک زندگی است.

وی می‌افزاید: رویکرد رسانه ملی باید به آنتن باشد؛ یعنی رسانه باید به هر شخصی که برنامه با کیفیت بسازد، آنتن بدهد. این دقیقاً شبیه دوران دفاع مقدس است که درجنگ به افراد توانا لشکر می‌دادند. الان هم باید این‌طور باشد و ما در جنگ نرم، این اصل را در نظر بگیریم.

اسماعیل‌تبار در پایان می‌گوید: باید مبانی و چارچوب‌های خودمان را حفظ کنیم و به زمان و فناوری‌ها مسلط باشیم و برای سبک زندگی موفق ایده خلق کنیم و نسبت به آینده خوشبین باشیم. جامعه ایران به سمت اخلاق مداری و آگاهی برتر حرکت می‌کند، اما باید نسبت به ضعف‌های خودمان آگاه باشیم.

اخلاق حسنه صحبت کنند.

از اسماعیل‌تبار درباره سختی رفتار

شخصیت مجموعه‌های نمایشی مثل «آوای

باران» با فرهنگ ایرانی می‌پرسم و وی پاسخ



انیمیشن‌های اقتباسی کج‌ارفته است؟

نگاهی به چند انیمیشن قدیمی که براساس رمان‌های پرطرفدار ساخته شد و مخاطبان زیادی را جذب کرد

سحر مظفری



شخصیت محبوب کودکان

یوهان داوید ویس، نویسنده سوئیسی، با الهام از داستان رابینسون کروزو، کتابی به نام خانواده سوئیسی رابینسون نوشت که در ایران به اسم خانواده دکتر ارنست معروف شد. دکتر ارنست یکی از شخصیت‌های محبوب دوران کودکی بسیاری از ماست، دکتر کی که در پایان، همراه دیگران جزیره را ترک کرد، تا در استرالیا به طبابت بپردازد. هدف داوید ویس از نوشتن این کتاب آموزش زندگی به فرزندان بود. اما این کتاب که در سال ۱۸۱۲ نوشته شده بود، بسیار معروف شد، به شکلی که از سال ۱۹۹۰ تا امروز هشت فیلم سینمایی، هفت تله‌فیلم، پنج سریال تلویزیونی و یک کارتون از روی آن ساخته شده است.

یک کارتون خانواده‌محور

داستان آنت دختر دوازده ساله‌ای که با خانواده‌اش در یک دهکده کوچک در کوه‌های آلپ زندگی می‌کرد نیز علاقه‌مندان خاص خود را داشت. در «بچه‌های کوه آلپ» هرچند خانواده محوری داشت، اما مرگ مادر فضای کلی حاکم بر مجموعه را غمناک کرده بود و در این میان، حضور پدر در کنار دختر و پسر کوچکش تصویری متفاوت را از خانواده ثبت کرد. در این فضا، رفاقت آنت و لوسین و مجموعه مسائلی که به نوعی سنگ محک عمق دوستی آنها بود، باعث جذابیت بیشتر مجموعه می‌شد. مجموعه کارتون «داستان‌های کوه آلپ: آنت من» براساس رمان گنج‌های برف از یک نویسنده انگلیسی به نام پاتریشیا سن جان ساخته شد و توانست دل خیلی‌ها را به‌دست آورد. در این بین آلپس در سرزمین عجایب، تام سایر و بابا لنگ دراز از دیگر کارتون‌هایی بودند که براساس رمان‌های پرطرفدار ساخته شدند.

روایت می‌شود. هنوز هم قصه یک آدم عادی یا درواقع غول سرزمین لی‌لی پوت در کنار دشمن همیشگی به نام کاپیتان لیج برای مخاطب جذابیت دارد.

ماجراجویی‌های سندباد

«سندباد» هم که قصه سفر ماجراجویانه این دریاورد - تاجر که در مجموعه داستان‌های هزار و یک شب جای دارد یکی دیگر از داستان‌هایی است که تا امروز به شیوه‌های مختلف بازخوانی و بازنمایی تصویری شده است. در این انیمیشن، سندباد با همراهی پیرمردی به نام علاءالدین، جوانی به نام علی بابا و یک مرغ مینا به نام شیلا، مسیری از واقعیت و تخیل را به گونه‌ای دراماتیک طی می‌کرد. او با هوش، صبر و خوش‌شانسی از دست غول‌های شنی تا لاشخورها نجات پیدا می‌کرد و موفق می‌شد بر همه موانع غلبه کند و به مقصد برسد.

ساخته و از شبکه‌های تلویزیون پخش شدند و داستان بسیاری از آنها به فارسی هم ترجمه شده است. این کارتون‌ها در دهه هفتاد با نقش پررنگ و تاثیرگذار خود، توانستند محبوب قلب‌های بسیاری از مخاطبان شوند به طوری که نمی‌توان صحبت از این کارتون‌ها کرد و نگفت یادش بخیر.

مجموعه انیمیشن‌هایی مثل سندباد، پینوکیو و گالیور متکی بر منابع اقتباسی محکم است که بیشتر آنها ریشه در افسانه‌های قدیمی یا مجموعه داستان‌های پر مخاطب آن زمان داشتند. سفرهای گالیور که از روی آن اقتباس‌های سینمایی و تلویزیونی بسیاری صورت گرفته، داستانی تخیلی، نوشته جان‌اتان سوئیفت نویسنده انگلیسی است و خود کتاب مثل مجموعه‌ای که از روی آن ساخته شده در چهار بخش نوشته شده است و به صورت سفرنامه دریانوردی به نام ناخدا الموئل گالیور و از زبان خود او

زمانی در تلویزیون خبری از برنامه‌هایی چون خاله‌شادونه و عمو پورنگ یا برنامه‌های عروسکی نبود، کارتون‌ها و انیمیشن‌های خارجی محبوب قلب بسیاری از بچه‌های دهه ۶۰ بود و حرف اول را در بین آنها می‌زد. تصاویر رنگارنگ انیمیشن‌های عمدتاً ژاپنی همراه داستان‌های جذاب آنها باعث قهرمان‌پروری و الگو گرفتن بسیاری از بچه‌ها از شخصیت‌های آنها می‌شد. یک عده پسر شجاع را قهرمان خود می‌دانستند و عده‌ای دیگر سندباد را. بسیاری از این انیمیشن‌ها از روی کتاب‌هایی ساخته شده‌اند که خود، جزو پرخواننده‌ترین کتاب‌ها هستند. سال‌ها بعد و زمانی که رفته‌رفته دوره این انیمیشن‌ها به پایان می‌رسید و برنامه بستنی‌ها، قدم به تلویزیون می‌گذاشت، پدر و مادرهای بسیاری راهی کتابفروشی‌ها می‌شدند تا کتاب‌هایی را که این کارتون‌ها از روی داستان آنها ساخته شده بودند، تهیه کنند و کودکان را با لذت خواندن داستان این کتاب‌ها آشنا کنند.

خیلی‌ها از خود می‌پرسند چرا دیگر دوره پخش این انیمیشن‌های اقتباسی خارجی به سر رسیده و چرا تلویزیون کمتر دست به ساخت این‌گونه آثار می‌زند. ادبیات ایران پر از داستان‌هایی تخیل‌محور است که در صورت کار روی قصه آنها می‌توانند به آثاری درخشان تبدیل شوند. حتی بین داستان‌های تاریخی نیز هنوز داستان‌هایی دست‌نخورده و بکر وجود دارند که هم می‌توانند مخاطب را جذب خود کنند و هم او را با تاریخ و ادبیات آشنا کنند. اما کمتر کسی ترجیح می‌دهد سراغ این ادبیات برود و در سوی دیگر مخاطبان خردسال و نوجوان، هری پاتر و ارباب حلقه‌ها و تولیدات دیسنی و پیکسار را به نمونه‌های داخلی ترجیح می‌دهند. ساخت یک انیمیشن تلویزیونی استاندارد نیاز به یک پیش‌تولید نسبتاً طولانی و مدیریت زمان هنگام ساخت دارد که اغلب همین دو دلیل باعث می‌شود تولیدات این حوزه کم باشد. کارهای موفق مثل شکرستان، قصه‌های بازار و طوطی و بقال نشان می‌دهد انیمیشن‌سازان داخلی در صورت صرف وقت و هزینه بیشتر می‌توانند کارهای با کیفیت‌تری بسازند. استقبال از انیمیشن‌هایی مثل لذت دانایی، رستوران جنگل و اریو پهلوان کوچک که از شبکه تازه تاسیس پویا پخش شدند، نشان می‌دهد که هنوز هم با ساخت کارهای قوی می‌توان مخاطبان را به انیمیشن‌های داخلی امیدوار کرد. در اینجا نگاهی داریم به چند کارتون که با اقتباس از داستان‌های خارجی

نگاه کارگردان

بهناز وفايي وحدت

فیلمنامه‌نویسی در موقعیتی مشابه خلبان

با ویکی لیکس در ارتباط نیستیم تا پشت پرده ساخت فیلم‌ها و سریال‌ها را افشا کنیم.

در کشورهایی که صاحب صنعت سینما و تلویزیون هستند، این امری رایج است که فیلمنامه‌نویس از منابع ادبی بومی خود و دیگر ملل ارتزاق کند، چرا در کشور ما عملاً این اتفاق نمی‌افتد؟

لطفاً یک منبع ادبی بومی یا دیگر ملل به من معرفی کنید تا از این طریق ارتزاق کنم! بی‌زحمت جوری باشد که در عبور از سوراخ‌های متعدد مردود نشود! خیلی‌ها راه‌حل مشکلات فیلمنامه‌نویسی را در ارائه کار کارگاهی یا گروهی می‌دانند. نظر تان درباره فیلمنامه‌نویسی گروهی چیست؟ مثل ازدواج می‌ماند. باید سلیقه مشترک داشته باشید. اخلاقتان خوب باشد. متعهد باشید تا بتوانید

می‌کند، می‌گویند خلبانش مقصر است!

خیلی از فیلمنامه‌نویسان معتقدند که امروز نگاه تخصصی نسبت به فیلمنامه جای خود را به نگاه سلیقه‌ای داده است. شما با این نظر موافقت می‌کنید؟ خیر. چه زمانی نگاه تخصصی به فیلمنامه‌نویسی حاکم بوده که حالا جایش را به نگاه سلیقه‌ای داده باشد؟ ما که از قدیمی‌های فیلمنامه‌نویسی محسوب می‌شویم چنین چیزی یادمان نمی‌آید. چرا برخی از فیلمنامه‌ها که واقعا ظرفیتی برای یک داستان خوب و قابل تامل ندارند تولید می‌شوند و در برخی دیگر که قصه خوبی دارند، ضعف در پرداخت فیلمنامه آزاددهنده می‌شود؟

وقتی از داستان خوب حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم؟ بهتر نیست مصداقی صحبت کنیم؟ من که

علیرضا کاظمی‌پور از فیلمنامه‌نویسان پرکار تلویزیون است که در کارنامه‌اش سریال‌های پرریننده‌ای چون زمانه، میوه ممنوعه، پرواز در حباب، مسافری از هند، دل‌نوازان، کمکم کن، گمشده، او یک فرشته بود، آخرین دعوت و... آوای باران دیده می‌شود که البته برخی از این کارها را به صورت مشترک نوشته است. کاظمی‌پور متولد ۱۳۵۲ و دانش‌آموخته رشته فیزیک از دانشگاه امیرکبیر و رشته سینما از دانشگاه تهران است. با او درباره مشکلات فیلمنامه‌نویسی صحبت کرده‌ایم که پاسخ‌های او در نوع خودش قابل تامل است.

چرا هر وقت فیلمی مورد توجه قرار نمی‌گیرد می‌گویند فیلمنامه‌اش ضعیف است؟ به همان دلیل که هر وقت هواپیمایی سقوط

عبور از چاله‌های متن، ممنوع

رسانا قهقرایی

چاله‌ها شکل دیگری از فقدان باورپذیری هستند. در این حالت داستان نه از فقدان انگیزه، بلکه از فقدان منطق رنج می‌برد یا به عبارتی یکی از حلقه‌های زنجیره گمشده علت و معلولی است اما چاله‌ها مثل تصادف و اتفاق بخشی از زندگی‌اند. بنابراین اگر داستانی یا نوشته‌ای درباره زندگی نوشته شود، طبیعی است یک یا دو چاله داشته باشد تا قصه از حالت یکدستی و بی‌اوج و فرود بودن خارج شود. گاهی لازم است برخی ناباوری‌ها به داستان تزریق شود تا سیر داستان که همانا برگرفته از رویدادی مشابه در عالم واقع است، برای مخاطب عادی‌تر به نظر برسد و او را در مقابل نوشته یا تصویری قرار دهد که مشابه آن را در واقعیت جسته و به آن دست یافته است. ممکن است این پرسش مطرح شود که بین عالم واقع با آنچه روی پرده نقره‌ای سینما نقش می‌بندد، یا روی صحنه خلق می‌شود یا از قاب تلویزیونی رخ‌نمایی می‌کند، چه تفاوتی وجود دارد. در پاسخ باید گفت مقوله نمایش نخستین تفاوت بزرگ میان واقعیت



و صورتی از هنر است که عرضه می‌شود. عنصر نمایش به عنوان یک واسطه، فاصله‌گذاری میان واقعیت و بازنمایی را به وجود می‌آورد و در عین پیوند دادن میان این دو، عامل تفکیک‌کننده آن نیز هست. در گام بعدی نحوه به خدمت‌گیری چاله‌ها در روند داستان به این ویژگی شدت می‌بخشد. به این ترتیب ضرورت دارد بین حوادث پیوند ایجاد و چاله‌ها را پر کرد. گرچه این راه حل مستلزم خلق لحظه‌های جدیدی است که هدفی جز منطقی کردن صحنه‌های قبل و بعد از خود ندارد و چنان بدون تناسب و نازیباست که در آزار دادن دست کمی از چاله‌های منطقی ندارد.

در واقع این یک پرش در منطق روایت است در حالی که داستان بی حرکت روی میز نشسته و چاله آن مستقیماً به نویسنده خیره شده است. وقتی چاله‌ای پیش می‌آید، بیننده شاید در آن لحظه به دلیل کمبود اطلاعات نفهمد آنچه لحظه‌ای پیش اتفاق افتاد، منطقی نیست یا شاید آن قدر سریع اتفاق بیفتد که کسی متوجه نشود.

در این حالت آنچه به ضرر داستان به نظر می‌رسد، کارکردی موثر و مفید خواهد داشت و بر جذابیت قصه خواهد افزود. نویسندگان خوب می‌دانند چگونه از آنچه روی کاغذ آزرده‌نده به نظر می‌رسد برای تقویت ماجراهای قصه کمک بگیرند. نویسندگان خوب شجاعانه با چاله‌ها روبه‌رو می‌شوند، آنها را به تماشاگر نشان می‌دهند و بعد چاله بودن آن را انکار می‌کنند، اما تلاش در مسیر پر کردن چاله‌ها اتفاقی ناخوشایند است که با هدف جلوگیری از توجه و تمرکز بیننده صورت می‌گیرد.

در پایان می‌توان گفت داستان برگرفته از عناصری است که هریک با کاربرد بجا و مناسب می‌تواند واقعیتی پیچیده را در لافانه نمایش با مشخصه‌های خاص خود پیش چشم تماشاگر بنشانند.

نگاهی به ۲ فیلم تلویزیونی «آقای عبدی نسب و بانو» و «کنار تو می‌خندم»

فراز و فرود در روایت و ساختار

مریم رها

در آخرین روزهای دی‌ماه، فیلم‌های تلویزیونی متعددی از شبکه‌های مختلف سیما روی آنتن رفت که در بیشتر آنها با درونمایه شاد یا اخلاق‌گرا انتخاب شده بود.

دو فیلم از این میان - که با درونمایه قناعت و ساده‌بستی در بستر وقوع یک جشن عروسی و گرایش زوج‌های جوان به تجملات به تصویر درآمده بودند - روزهای جمعه و یکشنبه از شبکه دو و شبکه تهران پخش شد که در هر دو سعی شده بود داستان در قالب طنز روایت شود. این دو فیلم را که حال و هوای مشابهی دارند، می‌توان در قیاس باهم تحلیل کرد.

آقای عبدی نسب و بانو: این فیلم تلویزیونی - که به کارگردانی حمید اکرمی جمعه بیست و هفتم دی‌ماه ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه از شبکه دو پخش شد - داستان سامان و مهناز با بازی مانی کسرائیان و افسانه پاکرو است که پس از مدتی نامزدی، قصد ازدواج و برگزاری مراسم عروسی را دارند. سامان در صدد گرفتن وامی از اداره خود است تا مراسمی شیک و اعیانی برای مهناز برگزار کند.

ناصر، پدر سامان با این کار مخالف است و قصد دارد او را متوجه اشتباهش کند. سامان نمی‌پذیرد و به تلاش خود ادامه می‌دهد اما با وجود تلاش فراوانش با شکست روبه‌رو می‌شود و به حقیقت اندرزهای پدر پی می‌برد. رضا رویگری، حشمت آرمیده و زهره حمیدی از دیگر بازیگران این فیلم هستند که به تهیه‌کنندگی حسن اسدی و مهران رستمی در شبکه دو ساخته شده است.

در این فیلم تلویزیونی، ضمن آن که طنز محدود به شوخی کلامی و لودگی می‌شود، شاهد بازی سطحی، غیرواقعی و روابط خام و تصنعی یک زوج جوان هستیم، بدون این که در آن، نشانی از تیپ‌سازی مرتبط با شخصیت یا ریزه‌کاری شخصیت‌ها دیده شود و به همین دلیل، مخاطب با این زوج همراه نمی‌شود، زیرا خصلت این دو حتی به مرحله باور نمی‌رسد که بتوان آن را ارزشگذاری کرد. مورد دیگر درباره خطاهای قهرمان فیلم است. به نظر می‌رسد، در فیلم سامان مقصر همه اشتباهاتی است که به شکست منجر می‌شود و دیگر شخصیت‌ها از آن مبرا هستند.

بنابراین با فیلمی مواجه هستیم که سرنوشت محتومی را برای قهرمانش رقم زده که به تنهایی

مقصر همه مشکلات است و هیچ محرکی برای افتادن او در مسیر اشتباه وجود ندارد، جز رویاها و تمایلات شخصی خودش. خطر این گونه برخورد با کاراکتر نمایشی، این است که از همان ابتدا دیگر کاراکترها خود را از مسیر داستانی خارج می‌کنند و منفعلانه به انتظار شکست او می‌نشینند. این انفعال داستان را از پویایی خارج می‌کند و با ایجاد شرایطی که تنها یک نتیجه در بر دارد، تعلیق داستانی را از بین می‌برد.

کنار تو می‌خندم: این فیلم تلویزیونی به کارگردانی سیدوحید حسینی یکشنبه بیست و نهم دی‌ماه ساعت ۱۳ و ۳۰ شبکه تهران روی آنتن رفت. داستان فیلم از این قرار است که رضا (مجید واشقانی) و نسترن (سولگ پهماسی) زوجی از طبقه متوسط، در تلاش برای برگزاری مراسم عروسی هستند. رضا یک ماشین قدیمی دارد که برای روشن شدن، به هل دادن نیاز دارد. آنها از دوست رضا (عباس جمشیدی) طلبکارند، ولی او هم که کارگری ساده است پولی ندارد و به عوض، یکی از ماشین‌های مدل بالای نمایشگاهی را که بتازگی در آن مشغول کار شده است، در اختیار این زوج قرار می‌دهد تا به‌عنوان ماشین عروس گل بزنند. رضا و نسترن هم قبول می‌کنند و درست روز عروسی قربان شاگرد گلفروشی، ماشین را به ازای پولی که از عنایت صاحب گلفروشی طلبکار است، گرو گرفته، می‌دزد و آن را با خود به کارخانه متروک‌های می‌برد...



نمایی از تله فیلم آقای عبدی نسب و بانو



بازیگران تله فیلم کنار تو می‌خندم

کنار تو می‌خندم از این منظر در نقطه مقابل فیلم تلویزیونی آقای عبدی نسب و بانو قرار می‌گیرد، زیرا در آن، هر دو شخصیت با درک درست از نقش خود (که برآمده از فیلمنامه است یا نتیجه تلاش بازیگر و هدایت درست کارگردان) آن را ایفا می‌کنند.

نسترن با شور و هیجان دخترانه و خواسته‌های ضد و نقیض درونی و رضا با عصبانیت‌های لحظه‌ای و قلب پر از مهر و عطوفتش، نمایشگر یک رابطه جاندار و واقعی هستند که مشهود و قابل لمس است و می‌تواند مخاطب را با سرگذشت این دو همراه و نسبت به آنها کنج‌گاو کند. نسترن همان قدر که عاشق رضاست، گاهی در خلوت او را برای خود کم و کوچک می‌داند و گاه عاشقانه ماشین را هل می‌دهد. رضا که کارگر ساده دلی است، به پسر بچه‌های محل باج می‌دهد تا ماشین او را هل بدهند.

مجموع همین رفتارهای ریز و درشت است که شخصیت‌ها را باورپذیر و جاندار می‌کند. مورد دیگر وجه طنز یا به عبارت بهتر نغز فیلم است. ضمن آن که در یکی دو سکانس، کارگردان سعی کرده با تکنیک تقطیع پرده در تدوین، طنز در ساختار فیلم هم جریان یابد که گرچه محدود بودن آن مانع شکل‌گیری فرم ساختاری می‌شود، اما در جای خود استفاده بجایی بوده است.

در این فیلم و در اولین پلان، دعای گلفروش و شاگردش را می‌بینیم و پس از آن، خرابی ماشین رضا در اندک زمان مانده به عروسی، مطرح می‌شود و مخاطب را در تعلیق ارتباط این دو قرار می‌دهد و پس از دزدیده شدن ماشین، هنوز در این تعلیق که چه پیش خواهد آمد، نگه می‌دارد.

از طرف دیگر، گرچه پدر رضا با تجمل‌گرایی در زندگی مخالفت می‌کند، اما به انتظار شکست پسرش نمی‌نشیند و تا پایان او را همراهی می‌کند. ضمن این که محرک اولیه رضا، پیشنهاد دوست بدهکار مبنی بر استفاده از ماشین نمایشگاه، سپس ذوق‌زدگی نسترن است و در ادامه قربان و عنایت، خطاهای بعدی را مرتکب می‌شوند تا خطای این زوج در کنار اشتباهات دیگران، منجر به شکست و ایجاد تحول در آنها شود و برتری دیگر این فیلم نسبت به فیلم قبلی، نمایش لحظه تحول و چگونگی آن است.

در اینجا تحول در نتیجه مصائب پیش می‌آید و ناگهانی نیست و اندازه این تحول آن قدر زیاد نیست که شخصیت از این رو به آن رو شود، اما در فیلم تلویزیونی آقای عبدی نسب و بانو، این تحول گرچه ناگهانی نیست، اما بسیار گل‌درشت است و این تحول عظیم نمی‌تواند نتیجه منطقی رخدادهای فیلم باشد.



شبیدارمزی

ایرانگردی با امواج رادیو

برنامه «استودیو سفر» با نگرشی تازه سراغ فعالان عرصه گردشگری رفته است

رفت چون در حوزه گردشگری می‌توانیم به بحث حقوق گردشگران نیز اشاره کنیم. به‌عنوان مثال اگر هنگام خرید تور مسافرتی، مسافران با مشکلاتی برخورد کردند، نهاد پاسخگو کیست و چگونه می‌توانند به حق و حقوق خود برسند.

جوادی در ادامه به انتخاب عوامل برنامه و البته ساعت پخش «استودیو سفر» اشاره می‌کند و می‌گوید: معمولاً بیشتر فعالان و دست‌اندرکاران صنوف مختلف گردشگری پس از ساعت ۱۷ از کار فارغ می‌شوند. بنابراین تصمیم گرفتیم این برنامه پس از این ساعت پخش شود تا بتوانیم ارتباط دقیق‌تری با مخاطبان خود برقرار کنیم و فعالان عرصه اقتصادی که اصلی‌ترین هدف استودیو سفر هستند با خاطری آسوده روند برنامه را دنبال کنند. از آنجا که صنف دفاتر خدمات مسافرتی با تمام صنوف دیگر در صنعت گردشگری در ارتباط است، قرار شد از این صنف به‌عنوان بانی استودیو سفر کمک بگیریم که انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی ایران به این دعوت پاسخ داد و هم‌اکنون برنامه استودیو سفر با مشارکت این انجمن به صورت زنده پخش می‌شود.

به عقیده جوادی، چون دفاتر خدمات گردشگری حلقه ارتباط گردشگران و صاحبان مراکز اقامتی و گردشگری کشور هستند، بیشتر مشکلات و معضلات گردشگری در این بخش خودنمایی می‌کند و باعث اختلاف‌های متعدد در بحث گردشگری خواهد شد که لزوم استفاده از صنف آژانس‌ها در این برنامه بیشتر خودنمایی خواهد کرد.

اما محمدحسن کرمانی، رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی ایران - که به‌عنوان کارشناس مجری در این برنامه حضور داشته - درباره

تنظیم موج

برنامه نوپای استودیو سفر که پخش آن چندی پیش شروع شده، هر هفته به صورت زنده روزهای سه شنبه از ساعت ۱۹ تا ۲۰ روی موج اف ام ردیف ۹۸ مگاهرتر از رادیو اقتصاد روی آنتن می‌رود.

تجارت گردشگری

روی موج

دکتر مازیار کردیچه

بارها اتفاق افتاده هنگام روشن کردن تلویزیون یا رادیو به محض این‌که با اخباری سیاسی روبه‌رو می‌شوید، به دنبال کنترل می‌گردید تا کانال را تغییر دهید و از فضای سنگین سیاست خارج شوید. اینجاست که دغدغه‌های اقتصادی و البته بحث شیرین دودو تا چهارتای خودمانی می‌تواند ذهن شما را آرام کند.

به‌طور کلی تحقیقات نشان داده مسائل اقتصادی و همچنین جذابیت‌های تجارت می‌تواند بهترین انگیزه برای مردم و مخاطبان برای انتخاب برنامه‌های سرگرمی باشد.

بنابراین رادیو اقتصاد نیز جزو انتخاب‌های برتر شنوندگان رادیوست تا بتوانند با استفاده از برنامه‌های اقتصادی آن، نقشه راهی مناسب برای تامین منابع مالی زندگی یا حتی تجارت خود به دست آورند. لذت شنیدن اخبار اقتصادی همواره برای علاقه‌مندان بخصوص فعالان اقتصادی و کارآفرینان به اندازه‌ای است که ناخودآگاه چه در دنیای مجازی و چه دنیای حقیقی به دنبال چنین اخباری هستند و همین علاقه کلید موفقیت رسانه‌های اقتصادی است تا بتوانند تعداد بیشتری از مخاطبان را به خود اختصاص دهند.

اما صادرات نامرئی یا همان صنعت گردشگری که به‌عنوان یکی از صنایع پردرآمد جهان شناخته شده است و هم‌اکنون اخبارش در کشورمان سرزبان‌ها افتاده، بسیاری را چه در بخش سرمایه‌گذاران و چه در بخش مشتاقان سفر به خود مشغول کرده است، به همین دلیل گروه زیادی نه برای سفر بلکه برای مهیا کردن شرایط مسافرت گردشگران به اخبار گردشگری علاقه‌مند شده‌اند و بدون وقفه آنها را دنبال می‌کنند.

شاید این‌گونه تصور کنیم که ساختن برنامه‌های تبلیغاتی برای ایجاد اشتیاق سفر در گردشگران یکی از لازمه‌های توسعه صادرات نامرئی است، اما نباید فراموش کنیم پس پرده این برنامه‌های جذاب و دلچسب، میلیون‌ها دلار سرمایه و صدها هزار فرصت شغلی نهفته است که باید به آنها نیز توجه کرد تا کسب و کار گردشگری برای سرمایه‌گذاران این صنعت تازه در دهکده جهانی نیز به حرکت خود ادامه دهد.

همه می‌دانیم سرمایه‌گذاران ابتدا به منافع مادی و آینده اقتصادی سرمایه‌گذاری خود می‌اندیشند و پس از آن دست به ریسک خواهند زد، پس جای تردید نیست که رسانه‌ها اگر صرفاً به جای معرفی جاذبه‌ها کمی هم به معضلات و مشکلات صنفی این شاخه از صنعت نگرش داشته باشند و شرایط را برای برطرف شدن این معضلات فراهم کنند به‌خودی‌خود توانسته‌اند در زمینه توسعه صادرات نامرئی بخصوص در کشورمان که از نظر جاذبه‌های طبیعی و تاریخی جزو برترین‌هاست گام بردارند و به قول معروف با یک‌تیر دو نشان را زده‌اند، پس رادیو اقتصاد را می‌توان موجی برای تجارت گردشگری دانست.





یک عصر پنجشنبه در استودیوی پخش رادیو ایران

«عصر دلچسب» رادیو برای مردم

زهره زمانی

وقتی آرم برنامه «عصر دلچسب» پخش می‌شود، موجی از شادی فضای استودیو را در بر می‌گیرد. داوود حیدری با طمأنینه‌ای خاص می‌گوید: وقتی رنگ قرمز و نارنجی می‌ریزه، توی صورت خورشید خانوم؛ عصر آغاز می‌شه! پسوند این جمله زیبا، موسیقی به جای عاطفه اقتداری است که مهری قل‌ریز در تکمیل جمله حیدری می‌گوید: عصر که آغاز می‌شه، انگار رنگ می‌باشن توی صورت آسمون، قرمز کمرنگ، قرمز پررنگ، نارنجی کمرنگ، بنفش پررنگ اصلا رنگ به رنگ این آسمون... حیدری شادتر از لحظاتی قبل ادامه می‌دهد: آهای خورشید خانوم تو زیبایی حتی موقع رفتن. قل‌ریز با شادی مضاعفی ادامه می‌دهد: خورشید خانوم تو فردا، زیباتر از همیشه دوباره طلوع خواهی کرد. خورشید خانوم عصر شما دلچسب.

متن زیبای نویسندگان، آهنگ‌های شاد تهیه‌کننده و پاسکاری‌های خوب دو گوینده برنامه، لحظات شادی را برای مخاطبان رادیو ایران به وجود آورده است. بعد از آن داوود حیدری با سلام و علیکی صمیمی با مخاطبان خود ارتباط برقرار و اعلام می‌کند که تا ساعت ۱۹ با آنها همراه

خواهد بود. مهری قل‌ریز هم می‌گوید، این افتخار را دارد که در عصر دلچسب همراه مخاطبان خوب خود است. وقتی حیدری اعلام می‌کند که عباس سنجرى گزارشگر برنامه روی خط است، سنجرى با ابراز ارادت نسبت به عوامل برنامه و مردم می‌گوید: که از شهر گرمسار در مسیر ایوانکی با آنها صحبت می‌کند و از دیده‌های خود که در مسیر راه همراهی تریلی‌ها و کامیون‌ها را با ماشین‌های عروس دیده، می‌گوید.

وقتی عاطفه اقتداری آهنگی شاد را پخش می‌کند، بهترین فرصت است که باب گفت‌وگو را با او باز کنیم. اقتداری با بیان این که امیدوار است برنامه عصر دلچسب برای مخاطبان دلچسب باشد، می‌گوید: گاهی به شوخی می‌گوییم ان‌شاءالله که عصر دلچسب نباشد و سعی می‌کنیم که بخش‌های دلچسبی را برای مردم تهیه کنیم. بیشتر با موضوعات اجتماعی شوخی می‌کنیم و روزهای پنجشنبه به بهانه این که خیلی‌ها شاید حوصله شنیدن مباحث جدی را نداشته باشند، با شخصیت‌های محبوب مردم در حوزه‌های ورزشی، سینما و تلویزیون که از آنها دعوت کرده‌ایم در استودیو مهمان برنامه باشند، شوخی می‌کنیم.

داوود حیدری اعلام می‌کند، به لحظات عرفانی اذان مغرب نزدیک شده‌ایم. در این فرصت از مهری قل‌ریز گوینده رادیو ایران درباره حضورش در این برنامه می‌پرسیم که می‌گوید: یک هفته انتظار و تلاش را پشت سر می‌گذاریم و بعد زمانی می‌رسد که می‌گوییم عصر دلچسب رسید! واقعا وقتی عصر دلچسب برآیم دلچسب است که احساس کنم بین مردم نقشی از جنس خودشان دارم و امیدوارم تا این لحظه توانسته باشم به درستی ایفای نقش کرده باشم. او درخصوص بخش‌های برنامه برآیم می‌گوید: بخش شنیدن صدای مردم در قالب تلفن‌ها و پخش دلتوشته‌ها و دل‌گویه‌های آنها یکی از بهترین بخش‌های این برنامه است. برنامه عصر دلچسب، متعلق به پایتخت‌نشین‌ها نیست و حتی آن روستایی و کشاورزی که در مزرعه‌اش در حال فعالیت است و آن بافنده‌ای که دارد تار و پود قالی را می‌بافد، با برنامه در ارتباط هستند. قل‌ریز با اشاره به پاسکاری‌های خوبی که بین او و آقای حیدری وجود دارد، ادامه می‌دهد: همه عوامل دست به دست هم می‌دهند تا یک برنامه موفق به گوش مردم برسد، ما از قبل روی موضوعات برنامه صحبت می‌کنیم و با مطالعه قبلی سر برنامه حاضر می‌شویم، اما در بخش‌هایی کار را با تعامل کلامی جلو می‌بریم و

ما عاشق مردم هستیم نه میکروفن



داوود حیدری که در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو با برنامه ردپای خاطره از صدای آشنا مقام برتر را کسب کرده، درخصوص نقش گوینده در برنامه‌های مفرح و شاد عصر گاهی می‌گوید: بعضی وقت‌ها یک برنامه مطلب‌محور است، یعنی گوینده یا مجری بایستی از روی متن پیش برود. یک جاهایی است که موضوع داده می‌شود و خود مجری یا گوینده

برنامه را ادامه می‌دهد، ولی گوینده از محفوظات ذهنی خود و توانایی‌هایش استفاده می‌کند تا هم لحن و بیانش برای شنونده غریبه نباشد و هم بتواند مفهوم موردنظر را بهتر و باورپذیرتر به مخاطب انتقال دهد. حیدری درباره اجرای برنامه می‌گوید: همکار خوبم خانم قل‌ریز کاربلد است و من افتخار می‌کنم که کنار ایشان هستم. ما سعی می‌کنیم چیزی بگوییم که مردم آن را با رغبت بشنوند. باید به این واقعیت توجه کرد که این مردم بودند که اجازه داده‌اند ما پشت میکروفن زنده یک رسانه ملی بنشینیم، با آنها حرف بزنیم و برایشان برنامه اجرا کنیم. اگر مردم نخواهند، ما هم کنارشان نخواهیم بود و این را باید همه همکاران گوینده بدانند. او ادامه می‌دهد: بعضی از دوستان عاشق میکروفن هستند و بعضی‌ها عاشق مردم هستند. وقتی عاشق میکروفن باشی، اجازه نمی‌دهی که همکار حرف بزند و سعی می‌کنی خودت حرف بزنی که در این زیاد حرف زدن است که ایراد آدم‌ها پیدا می‌شود. متأسفانه در بعضی از همکاران جدید ما این صفت بد وجود دارد و فکر می‌کنند اگر نشسته‌اند پشت میکروفن، باید حتما حرف بزنند. به نظر من این‌گونه نیست و یک جاهایی باید سکوت کرد تا همکار کناری تو صحبت کند یا اگر کارشناس و مهمانی روی خط برنامه است، باید وقتی سوال را مطرح کردی، سکوت کنی تا او حرفش را بزند.

دنیای گویندگی را دوست دارم



مهری قل‌ریز گوینده برنامه عصر دلچسب می‌گوید: دنیای گویندگی دنیای قشنگی است، همه دوستش دارند مثل من، مثل مردم، مثل شما! بچه که بودم به گوینده شدن و گوینده موفق بودن فکر

می‌کردم و این علاقه را دنبال کردم، برای این که خودم را امتحان کنم، گهگاه برای خودم مطلبی یا شعری می‌خواندم و می‌نوشتیم. در مدرسه هم چنین کاری را می‌کردم و تشویق می‌شدم و بعد این شور و حال در دوران نوجوانی تقویت شد. این حس و این باور، تبدیل شد به موقعیتی که بعدها به آن دست یافتیم. فراخوانی که اعلام شد و من در تست گویندگی مرکز اصفهان شرکت کردم و در واقع این شروع کار گویندگی من بود. همزمان که درس می‌خواندم، تست دادم و از بین ۲۰۰۰ نفر، من به اتفاق یکی دو نفر دیگر انتخاب شدیم و بعدها بتدریج کار را ادامه دادم. در واقع گویندگی انتخاب اول من بود و برای انتخاب دوم، همیشه دوست داشتم یک وکیل خوب باشم. می‌پرسم هیچ وقت دلتان نخواست که وکالت را دنبال کنید؟ می‌گوید: به‌عنوان شغل دوم خیلی دوست داشتم و هنوز هم این علاقه با من هست، اما زیاد به آن فکر نمی‌کنم.

با اتفاق نظر و صمیمیت خاص، برنامه‌ای را روی آنتن می‌بریم که به دل مردم بنشیند.

اقتداری گلچین با محوریت ورزش، دست چین با موضوع سینما و تلویزیون و گزارش‌های تولیدی صباذخت همتی را از دیگر بخش‌های برنامه معرفی می‌کند و می‌گوید: مریم بانو موسوی به کمک سعیده گلکار کار هماهنگی و مهین احمدی‌زاده کار ارتباطات را انجام می‌دهند. همچنین سمیه قاسمی برای بخش‌هایی از برنامه فکاهه می‌نویسد.

می‌گویم: شنیدم که از مهمانان برنامه بیست سوالی می‌پرسید؟ اقتداری در جواب می‌گوید: بخش بیست سوالی را به خاطر این که با مهمانان برنامه شوخی داشته باشیم، طراحی کرده‌ایم. به هر حال مهمانان برنامه حتی اگر کار طنز کرده باشند، اما چون مهمان هستند، جدی صحبت می‌کنند و خیلی نمی‌شود با آنها راحت وارد فضای شوخی شد. جواب دادن به یک‌سری سوالات که خود مهمان برنامه از طرح آن خنده‌اش بگیرد، هنر است! به طور مثال شما از یک بازیگر پرسید یک لحظه فکر کنید که کارت عابر بانک‌تان را عابر بانک قورت داده، الان چه کار می‌کنید، طرح این نوع سوال چون در ذاتش با شوخی همراه است، باعث می‌شود که مهمانان از فضای جدی خارج شوند.

وقتی برنامه تمام می‌شود، خودم را به پشت اتاق شیشه‌ای می‌رسانم و به عوامل برنامه خسته‌ناباشید می‌گویم. داوود حیدری پیشکسوت گویندگی، اجرا و بازیگری و برنامه‌ساز رادیو درباره عصر دلچسب می‌گوید: ما آنچه که در توانمان است، به کار می‌ندیم. شاید برنامه آنقدرها دلچسب نباشد، اما ما سعی خودمان را می‌کنیم و برای مردم کم نمی‌گذاریم. لحن و بیان برنامه بایستی شاد باشد؛ البته بعضی‌ها دوست دارند برنامه، بخش‌های متنوع بیشتری داشته باشد. مثلاً گروهی از مخاطبان برنامه دوست دارند کارهای جدید موسیقی را در برنامه عصر دلچسب بشنوند و مخاطبان دیگرمان انتظارات دیگری از این برنامه دارند. ان‌شاءالله تهیه‌کننده تلاش می‌کند که این بخش‌ها را به برنامه اضافه کند.

او می‌گوید: ما در هر برنامه‌ای در رادیو، اگر این نگرش رو به جلو را داشته باشیم و اول خودمان از خودمان ایراد بگیریم و دوستانمان ایراداتمان را به ما بگویند، می‌توانیم زودتر به آنچه مردم می‌خواهند نزدیک شویم. در عصر دلچسب، فاکتورهای مختلفی باید وجود داشته باشد تا دلچسبی بیشتری را برای مردم رقم بزنند، آنقدر که دلشان نیاید موج رادیو را عوض کنند!

قل‌ریز نیز که گفت‌وگو من با حیدری را دنبال می‌کند، وارد بحث می‌شود و می‌گوید: من از کلام ارز‌شمند جناب مهندس ضرغامی رئیس رسانه ملی استفاده می‌کنم که در یکی از نشست‌های افق رسانه، گفته بود بهتر است برنامه‌سازان بعضی وقت‌ها برنامه را از فضای استودیو بکشند و بیشتر بین مردم حضور داشته باشند. راستش من، بودن در کنار مردم را به اجرا در استودیو ترجیح می‌دهم و به نظرم بهتر است گهگاه برنامه را در فضای باز جامعه یا مراکز دانشگاهی و... اجرا کنیم، ضمن آن که باید زمینه‌ای را فراهم کرد که مردم بیشتر در استودیوهای ضبط رادیو حضور داشته باشند.

گزارشی از برنامه شامگاهی «تهران در شب»

آرامش شبانه در سایه رادیو

مریم کریمی

با این که بارها برای تهیه گزارش از پشت صحنه برنامه‌های رادیویی به میدان ارگ رفته‌ام، اما این بار سکوت بازار و خاموشی شب حال و هوای خاصی دارد که البته بیشتر توام با آرامش است. وقتی با همکارم وارد ساختمان قدیمی رادیو و استودیوی برنامه می‌شوم، جمشید جم تهیه‌کننده با معرفی دیگر عوامل برنامه به گرمی از ما استقبال می‌کند.

برنامه شامگاهی تهران در شب، هر شب موضوعی متفاوت دارد. به‌عنوان نمونه، امروز شنبه است و برنامه به خاطره‌های موسیقایی و هنر دوبله می‌پردازد. بامداد یکشنبه‌ها، موضوع برنامه کمدی و طنز است و دوشنبه‌ها این برنامه به روابط و رفتارهای اجتماعی می‌پردازد. همچنین سه‌شنبه‌ها برنامه با مضمون هنرهای تجسمی پخش می‌شود.

«بامداد شنبه‌های این برنامه حال و هوایی دیگر دارد، زیرا تداعی گر نوستالژی هاست.» این را جمشید جم، پژوهشگر موسیقی، تهیه‌کننده، نویسنده، مجری و همان خواننده سرود ماندگار و انقلابی «یار دستانی من» می‌گوید که تهیه‌کنندگی بامداد شنبه‌های تهران در شب را به عهده دارد. وی به بخش‌هایی که در این برنامه اجرا می‌شود، اشاره می‌کند و می‌گوید: در این ساعت از شب، شنونده‌ها نیاز به آرامش بیشتری دارند. در این برنامه ما بیشتر موسیقی‌های خاطره‌انگیز پخش خواهیم کرد و مخاطبان برنامه می‌توانند با تجدید خاطرات و شنیدن سرودها و ترانه‌هایی از گذشته، یادی از ایام کودکی یا جوانی خود کنند و بگویند، یاد قدیم‌ها به خیر!



دارد، بگویند و اگر خاطره‌ای در این خصوص دارند با برنامه در میان بگذارند.

یکی دیگر از بخش‌های جذاب برنامه، گوش کن نام دارد که در آن شاعران بزرگ با صدای خودشان، شعر می‌خوانند. بررسی دوبله فیلم‌های ایرانی و خارجی را در این برنامه علی باقرلی به عهده دارد و در این بخش درباره هنرمندان دوبله و چگونگی صدایشی آنها در فیلم‌ها و سریال‌ها صحبت می‌شود. مثل‌ها و مثل‌ها نیز بخش دیگری از برنامه تهران در شب است که در آن به ضرب‌المثل‌ها و ریشه‌های آنها پرداخته می‌شود.



شعرخوانی شاعران معاصر با صدای خودشان، از دیگر قسمت‌های برنامه است که بخش قابل ملاحظه‌ای از زمان برنامه را به خود اختصاص داده است.

مهدی مجنونی، سردبیر و نویسنده برنامه است که در استودیو حضور دارد. از او درباره شیوه نگارش برنامه می‌پرسم که توضیح می‌دهد: هر هفته با توجه به مناسبت‌ها، یک موضوع خاص در برنامه مطرح می‌شود و حول همان محور متن‌هایی نوشته می‌شود. البته در نگارش متن از جملات بزرگان، مشاهیر و ادیبان استفاده و سعی می‌شود سادگی و حس صمیمیت به شنونده‌ها منتقل شود و مخاطبان بتوانند براحتی با برنامه خودشان ارتباط برقرار کنند.

وی ادامه می‌دهد: محور برنامه، حول موسیقی و ادبیات است و با توجه به این که مردم ما اهل ادبیات و موسیقی هستند و علاقه‌مند به این دو حوزه، کار ما

آسان‌تر است و راحت‌تر می‌توانیم مخاطبان را جذب برنامه کنیم و شنونده دائمی داشته باشیم.

بخش موسیقی محلی و تلفیقی از موسیقی‌های جدید و قدیم بر جذابیت برنامه افزوده است. در این بخش، علی باقرلی کارشناس دوبله با انتخاب فیلمی که دوبله شده، درباره صدایشگانی که دوبله فیلم را به عهده دارند، لحن و بیان آنها و هماهنگی با شخصیتی که صدایشی آن را به عهده دارند، صحبت می‌کند. سپس نوبت به یکی دیگر از قسمت‌های شیرین برنامه یعنی خاطره‌گویی شنونده‌های برنامه می‌رسد. مخاطبان با برنامه تماس می‌گیرند و برخی افراد نیز از طریق پیامک خاطره‌های خود را مطرح می‌کنند که در برنامه خوانده می‌شود.

در پایان برنامه از سعید بارانی - که گویندگی برنامه را به عهده دارد - می‌خواهم درباره اجرا و ویژگی لحن و بیان خود در این ساعت از شب بیشتر توضیح دهد. او می‌گوید: بیشتر به آرامش و شعور مخاطب توجه می‌کنم و روی خلق لحظات خاطره‌انگیز برای خودم و شنونده‌ها تمرکز دارم. خودم اجرا در این ساعت از شب را خیلی دوست دارم، چون احساس می‌کنم کسی که به برنامه گوش می‌دهد، دوست دارد چیزی یاد بگیرد. ارتباط مستقیم مخاطب با برنامه، آشنایی او با ضرب‌المثل‌ها و سخن سردبیر - که خیلی آموزنده و شنیدنی است - بخش بررسی هنر دوبله با صداهای متفاوت پیشکسوتان، همه و همه دست به دست هم می‌دهند تا لحظاتی ماندگار برای مخاطبان خلق کنند.

او ادامه می‌دهد: معتقدم در این ساعت از شب، مشارکت شنونده‌ها بیشتر می‌شود و به همین دلیل لحن من در برنامه، در کنار برخورداری از انرژی مثبت، همراه با آرامش است تا شنوندگان از شنیدن برنامه، آرامش دریافت کنند.

تنظیم موج

«تهران در شب» کاری از گروه فرهنگ و هنر رادیو تهران است که هر شب با یک موضوع و تیم برنامه‌ساز مجزا به صورت زنده از ۳۰ دقیقه بامداد تا ساعت ۲ با حضور کارشناسان به ارائه تازه‌ترین مطالب، اخبار و رویدادها در حوزه اجتماعی، سینمایی، ادبی، هنری و فرهنگی می‌پردازد و شنوندگان را از موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز همراهی می‌کند.

قاب در پیامک‌ها

۱۹۰۱---۰۹۱۲: بازی مهران احمدی در سریال آوای باران مثل همیشه خیره‌کننده است. از سازندگان و همه بازیگران آن تشکر می‌کنم.
۱۷۱۲---۰۹۳۵: بالاخره احمد مهرانفر در سریال پایتخت بازی می‌کند یا نه؟

بله بازی او در نقش ارسطو شروع شده و کار تصویربرداری در شیرگاه مازندران انجام می‌شود.

۲۶۱۲---۰۹۱۶: با پدرام کریمی، مجری سابق برنامه امروز هنوز تموم نشده، مصاحبه کنید.

۹۸۳۸---۰۹۱۲: پرونده قاب کوچک درباره بازیگران جوان تلویزیون خواندنی بود، باز هم به این موضوع بپردازید.

۲۱۹۲---۰۹۱۱: از عوامل تهیه برنامه قندپهلو بابت ساخت آن متشکرم.

۳۹۰۸---۰۹۱۲: رادیو سلامت بتازگی مسابقه‌ای پیامکی برگزار می‌کند، اما جوایزی که در نظر گرفته واقعا نامناسب است. لطفا مسئولان پاسخگو باشند.

۳۴۷۱---۰۹۳۷: از مسئولان جشنواره جام‌جم برای توجه به عادل فردوسی‌پور و برنامه نود تشکر می‌کنم. عادل همیشه بهترین است.

۹۸۳۱---۰۹۱۷: لطفا با بازیگران دو سریال آوای باران و یادآوری گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو با بازیگران این دو سریال هم در ضمیمه قاب کوچک و هم در صفحات روزنامه «جام‌جم» منتشر شده است. برای مطالعه این گفت‌وگوها به جام‌جم آنلاین مراجعه کنید.

۸۰۴۷---۰۹۱۳: بحث منتقدان در برنامه هفت خیلی جسورانه بود و توانست از پشت پرده نقد در سینمای ایران پرده بردارد. از سازندگان این برنامه تشکر می‌کنم.

۱۷۲۹---۰۹۱۲: با تشکر از ضمیمه خوبتان خواستم ببینم امین حبایی برای نوروز آینده سریال تلویزیونی بازی کرده؟

بله بازی امین حبایی در سریال خوب، بد، زشت به کارگردانی منوچهر هادی شروع شده و قرار است این سریال در نوروز ۹۳ روی آنتن شبکه ۲ برود.

۶۹۴۸---۰۹۳۹: لطفا در قاب کوچک جدول شرح درمتم داشته باشید. متشکرم.

بار دیگر اعلام می‌کنیم جدول در صفحات لایه روزنامه منتشر می‌شود و قرار نیست به قاب کوچک برگردد. سپاس از شما.

۱۷۳۱---۰۹۱۲: سری جدید برنامه قندپهلو خیلی متفاوت‌تر و جذاب‌تر از سری قبلی این برنامه است. گزارش خوبی هم درباره این برنامه داشتید که جای تشکر دارد.

۳۸۶۰---۰۹۱۲: از مدیران تلویزیون می‌خواهم توجه ویژه‌ای به ساخت برنامه‌های طنز و کمدی داشته باشند. جای خالی طنزهای قوی در تلویزیون دیده می‌شود.

۳۴۱۹---۰۹۱۲: به نظرم مجله تئاتر باید در شبکه سه سیما روی آنتن برود. موفقیت این برنامه در جشنواره جام‌جم یعنی نشانه قوت و ارتباط خوب این برنامه با مخاطب.

۱۳۹۸---۰۹۱۹: مطلبی که در شماره گذشته درباره تلویزیونی‌های جشنواره فیلم فجر نوشتید، جالب بود. به نظر می‌رسد فیلمسازان جوان سینمای ایران از تلویزیون آمده‌اند.

ممنون از نگاه شما. البته بخشی از فیلمسازان جدید سینمای ایران دست‌پرورده تلویزیون هستند نه همه آنها.

۹۸۰۰---۰۹۱۹: تلویزیون در پخش حواشی پیش از بازی دربی تهران خلاقیت‌های زیادی داشت و تمام ابعاد را به تصویر درآورده بود. همچنین گزارش سزدک میرزایی در این بازی با همه گزارش‌های او تفاوت داشت.

۲۳۰۱---۰۹۱۲: پخش اجرای گروه پالت در برنامه رادیو هفت خیلی جذاب بود. خلاقیت سازندگان این برنامه جای سپاس دارد.

تازه‌ای با قاب کوچک داشته باشم، مشکلی مانع انجام آن شد. بزودی احساس کردم کار در تلویزیون تبدیل به طلسم شده و باید این طلسم را بشکنم. با رابرت کوتزمن تماس گرفتم و موضوع تولید مجموعه‌ای تلویزیونی از فیلم مشترکمان از شفق تا فلق را گفتم. او هم استقبال کرد و تصمیم گرفتیم هر چه سریع‌تر طرح را به مرحله اجرا برسانیم.

این فیلمساز سینما توضیح می‌دهد کارهای تلویزیونی هم برای او به اندازه ساخت محصولات سینمایی اهمیت دارد و کار تلویزیون برای او حکم یک رنگ تفریح را ندارد. به همین دلیل، وی از شفق تا فلق را با دقت خاصی کارگردانی کرد و از حاصل کار خود نیز راضی است. او می‌گوید: اصرار داشتم نقش‌های اصلی مجموعه را بازیگران غیرسینمایی بازی کنند. این کار نوعی اهمیت دادن به هنرمندان تلویزیونی است. نمی‌خواستیم در صورت موفقیت مجموعه گفته شود حضور بازیگران سرشناس تلویزیون عامل اصلی توجه فراوان تماشاگران به آن بوده است. این مجموعه باید به توانایی فروش تکیه کند، نه نام و اشتیاق بازیگرانش. اشاره رودریگوئز به بازیگران مطرح نسخه اصلی سینمایی آن است. در این فیلم سینمایی بازیگرانی مثل جورج کلونی (که خودش به مدد موفقیت کلان مجموعه تلویزیونی پرتنش پزشکی، «اتاق مراقبت‌های ویژه» به دنیای سینما راه پیدا کرد)، هاروی کایتل، جولیت لوئیس، کوئنتین تارانتینو، سلما هایک و کلی پترسون بازی می‌کردند.

این نسخه سینمایی که در لوکیشن‌های تگزاس فیلمبرداری شد، با هزینه ۱۸ میلیون دلاری خود حدود ۲۶ میلیون دلار در آمریکای شمالی فروش کرد و لقب یک کار موفق را گرفت. در آن زمان شایعاتی شنیده شد که فیلم قسمت دوم خواهد داشت، اما بزودی مشخص شد رابرت رودریگوئز مایل است آن را به یک مجموعه تلویزیونی تبدیل کند.

اما مسئولان شرکت مستقل فیلمسازی دیمشن فیلمز که تهیه‌کننده فیلم بودند موافق تبدیل شدن آن به یک کار تلویزیونی نبودند. همین نکته باعث بایگانی شدن چند ساله پرونده تولید مجموعه تلویزیونی آن شد. نکته جالب این که تهیه‌کنندگان فیلم نقش اصلی نسخه سینمایی را به این دلیل به جورج کلونی دادند که موفقیت بالای مجموعه تلویزیونی اتاق مراقبت‌های ویژه نام او را در سطح وسیعی مطرح کرد و شهرت زیادی برایش به ارمغان آورده بود، قصه نسخه سینمایی درباره یک سارق بانک به نام ست گچکو (با بازی جورج کلونی در نقش یک ضدقهرمان) بود که پس از یک سرقت بزرگ، همراه برادرانش ریچارد (با بازی تارانتینو) راهی صحرای تگزاس شده و در طول راه، مجبور به یک گروگانگیری می‌شوند.



از شفق تا فلق با رابرت رودریگوئز در تلویزیون

روایتی / مترجم: کیکاووس زیاری

مجموعه تلویزیونی «از شفق تا فلق» آماده نمایش شد. این مجموعه تلویزیونی براساس قصه فیلمی سینمایی تهیه و تولید شده که سال ۱۹۹۶ روی پرده سینماها رفت. رابرت رودریگوئز فیلمساز مکزیکی تبار سینما که نسخه سینمایی آن را کارگردانی کرده بود، کارگردان نسخه تلویزیونی آن هم هست. در یک دهه گذشته، این فیلمساز چهل و شش ساله چند بار تلاش کرد این نسخه تلویزیونی را تهیه و کارگردانی کند. مجموعه اکشن و دلهره‌آور و ترسناک از شفق تا فلق در سه اپیزود ۶۰ دقیقه‌ای تولید شده و قرار است برای اواسط فصل تابستان روی آنتن برود. هیچ‌یک از بازیگران نسخه سینمایی در مجموعه تلویزیونی آن بازی ندارند و از آنجا که کار تولید آن در سکوت کامل خبری انجام شد، اطلاعاتی از خط اصلی قصه در دست نیست، رودریگوئز هم درباره این موضوع گفته است لو دادن قصه جذابیت تماشای مجموعه را کاهش می‌دهد. دی‌جی کاترونا، زبی هولتز، براندون سوهو بازیگران اصلی مجموعه هستند. با آن که گفته شده از شفق تا فلق، تلویزیونی نسخه دوباره‌سازی شده فیلم سینمایی آن است، ولی

شنیده می‌شود قصه و ماجراجویی‌هایی مستقل دارد. رودریگوئز که تهیه‌کننده اصلی فیلم است، سه اپیزود اول آن را کارگردانی کرده و می‌گوید دو قسمت بعدی آن را جو مندز و ادواردو سانچز کارگردانی خواهند کرد. فیلمنامه اپیزودهای مختلف مجموعه را حدود شش فیلمنامه‌نویس تلویزیونی نوشته‌اند و در بین نام آنها، اثری از کوئنتین تارانتینو به چشم نمی‌خورد. او که دوست صمیمی رودریگوئز است، در کار نگارش فیلمنامه نسخه سینمایی همکاری داشت. فیلمنامه این فیلم را وی و رابرت کوتزمن به صورت مشترک نوشته است. کوتزمن سرپرست گروه نویسندگان فیلمنامه مجموعه تلویزیونی از شفق تا فلق است. رودریگوئز در مصاحبه‌ای اعلام کرد کوئنتین تارانتینو بشدت علاقه‌مند بود در کار نوشتن فیلمنامه مجموعه تلویزیونی با او همکاری کند، ولی گرفتاری‌های سینمایی سازنده وسترن موفق «جانگوی از بندرسته»، مانع همراهی او با این طرح تلویزیونی شد. منابع نزدیک به مجموعه گفته‌اند حال و هوای آن کاملاً سینمایی است و شباهت زیادی به کارهای تلویزیونی ندارد. باور آنها این است که منتقدان سختگیر تلویزیونی، این مجموعه را خواهد پسندید و آن را یک سر و گردن بالاتر از کارهای

تلویزیونی مشابه ارزیابی خواهند کرد. از نزدیکان رودریگوئز نقل شده است، لوکیشن اصلی مجموعه صحرای تگزاس و حوالی مرز مکزیک است. به این ترتیب، شخصیت اصلی و محوری قصه یک رنجر تگزاسی است که ماموریت مهمی به عهده دارد. این مامور (با بازی براندون سوهو) باید برادران بدنام و شرور گچکو را پیدا و دستگیر کند. این دو برادر با اقدامات ضداجتماعی خود، امنیت منطقه و مردم عادی را به خطر انداخته‌اند.

رودریگوئز می‌گوید: همیشه می‌خواستیم یک کار دلهره‌آور تلویزیونی سطح بالا بسازم. فیلمنامه‌های زیادی به من پیشنهاد شد، ولی نظر خودم این بود که از شفق تا فلق سینمایی خودم را تبدیل مجموعه تلویزیونی کنم. علاقه‌ای خاص به این فیلم و داستان آن داشته و دارم. در تمام این سال‌ها در کنار ساخت نمائینگ و کارگردانی فیلم‌های سینمایی، دو بار هم با تلویزیون همکاری کردم. این همکاری‌ها در ابتدای کار هنری‌ام سال ۱۹۹۴ بود. حاصل این همکاری، یک فیلم سینمایی تلویزیونی و یک مجموعه بود. آنها را در فاصله ساخت فیلم‌های «ال ماریاچی» و «دسپرادو» کارگردانی کردم و از حاصل کارم بسیار راضی‌ام. از آن زمان به بعد، هر بار خواستم همکاری

انیمیشن «مرد عنکبوتی» در راه است

ساخته و با استقبال تماشاگران سینما روبه‌رو شد، در دو سال اخیر، تهیه‌کنندگان این مجموعه فیلم دست به احیای قصه آن زده و با بازی اندرو گارفیلد، نسخه جدید آن را روانه پرده سینماها کرده‌اند. مسئولان کمپانی والت دیزنی می‌گویند انیمیشن تلویزیونی آنها ارتباطی به نسخه سینمایی اسپایدرمن ندارد و کاملاً متفاوت از آن خواهد بود.

تلویزیون را به عهده بگیرند. پس از آن صدایشه اصلی که باید صدای خود را به شخصیت مرد عنکبوتی قرض دهد، انتخاب و معرفی خواهد شد. خط اصلی قصه کمیک استریپی اسپایدرمن درباره نوجوانی به نام پیتر پارکر است که پس از گزیده شدن توسط یک عنکبوت، صاحب قدرت جسمانی زیادی شده و به صورت یک ابرقهرمان درمی‌آید.

او با بهره‌گیری از این نیروی جدید، به مقابله با آدم‌ها و موجودات شریری می‌پردازد که قصد آسیب رساندن به مردم بی‌گناه را دارند. قصه اسپایدرمن چند دهه قبل به صورت یک مجموعه تلویزیونی انیمیشنی تهیه و روی آنتن رفت. صنعت سینما حدود یک دهه پیش سراغ این قصه رفت و نسخه زنده آن را با بازی توبی مگوئر در نقش مرد عنکبوتی تولید کرد. سه قسمت از این فیلم

بخش تلویزیونی کمپانی والت دیزنی در تدارک تولید مجموعه تلویزیونی «اسپایدرمن» (مرد عنکبوتی) است. این مجموعه به صورت انیمیشن تهیه خواهد شد و شرکت مارول هم در تولید آن همکاری دارد. فصل اول این مجموعه انیمیشن در ۲۴ اپیزود تهیه می‌شود و هر قسمت آن، نیم ساعت خواهد بود. حال و هوای مجموعه اکشن، فانتزی و ماجراجویانه خواهد بود.

هنوز اطلاعات زیادی پیرامون نسخه تازه مجموعه اسپایدرمن پخش نشده و اطلاعاتی درباره زمان شروع تولید و پخش آن در دست نیست. شنیده می‌شود این مجموعه کمیک استریپی و ابرقهرمانانه برای پخش در تابستان ۲۰۱۵ آماده خواهد شد. مسئولان کمپانی والت دیزنی به دنبال فیلمنامه‌نویس و کارگردانی هستند که وظیفه نگارش فیلمنامه و کارگردانی اسپایدرمن تازه



قاب‌تفکیک

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد القدير روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.